

# نخستین مطبوعات اسلامی به زبان پارسی

• محمدرضا زادهوش

عضو هیأت مدیره انجمن اصفهان پژوهان

بسی ناگفته مانده است. اکنون که بیش از یک قرن و نیم از تاریخ انتشار نشریه به زبان پارسی می‌گذرد، تاریخ مطبوعات دینی هنوز نگارش نیافته، و یا هر از چندگاهی، یکی از مورخان و محققان، بخشی از این تاریخ، و یا سال‌هایی از آن را به تحریر کشیده که هر یک از این گفتارها البته کاری بس ضروری و شایسته بوده است.

به طور کلی در منابع موجودی که می‌توان بررسی‌هایی درباره مطبوعات دینی را به نظاره نشست، کتاب‌هایی هستند که درباره همگی مطبوعات ایرانی و یا فارسی به نگارش درآمده‌اند و در حقیقت، روندی موضوعی را سرلوحه کار خویش قرار نداده‌اند. نخستین اقدام راستین برای شناسایی مطبوعات ایران به دست رابینو رای‌زن فرهنگی فرانسه در شهر رشت به سال ۱۳۲۹ قمری صورت پذیرفت.<sup>۱</sup> و میرزا محمدعلی تربیت از رجال نامی شهر تبریز، دیگر پژوهش‌گر این زمینه است. وی نام تعدادی از جراید و مجلات منتشره را در روزنامه گنجینه معارف به چاپ رساند و همین یادداشت‌ها بود که به دست ادوارد براون به زبان انگلیسی ترجمه شد<sup>۲</sup> و با افزوده‌ها و تعلیقات و تصحیحات فراوان با عنوان تاریخ مطبوعات ایران به چاپ رسید، و محمد محمدلوی عباسی با ارائه ترجمه فارسی آن، ایرانیان را بهره‌مند از این پژوهش ارزشمند ساخت.<sup>۳</sup>

## مقدمه

مطبوعات هر عصر، آینه‌ای است از کردار و پندار جامعه آن زمان که می‌تواند منبع ارزشمندی را برای پژوهندگان زمینه‌های گوناگون فراهم سازد، و با شناسایی دقیق و درست رخدادها و تحولات سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی، تصویری هر چه رساتر و نزدیک‌تر به واقعیت را نقش زند، و به بررسی‌ها و آشکار ساختن ابهام‌ها یاری رساند.

در سرزمین ما، پیدایش مطبوعات به عنوان ابزاری اجتماعی، با بیداری و آزادی و گسترش ذهنیات و دیدگاه‌ها و میل به نوجویی و نوگرایی، هم زمان شد. به یاری مطبوعات، از جهتی ارتباط میان ایرانیان روشن اندیش برقرار شد، و از سویی امکانی فراهم آمد تا چشم انداز فرهنگی ایرانی، گسترده‌تر و ژرف‌تر گردد، و به فراتر از مرزهای محصور سنت‌گرایی روی کند. اندیشه درباره مطالبی که در گذشته از آن نهی می‌شد، و دانستن آن چه در گذشته فراچنگ نمی‌آمد، تا به آن جاپیش رفت که انقلاب پرفراز و نشیب مشروطیت را پدیدار کرد. مشروطه با همه خوبی‌ها و بدی‌ها، و کاستی‌ها و ناراستی‌ها، دست پرورده این ابزار نوظهور است که در ابعاد گوناگون نیز مورد بررسی واقع شده است.

با این وجود در میان این بررسی‌ها هنوز نقش مطبوعات دینی

## واکنش می تواند سرآغاز اندیشیدن به موضوعی تازه باشد، تغییر عقیده، درباره موضوعی بر اثر گیرایی شیوه بیان، وروش ورود و خروج به آن مبحث باشد

از زمان انتشار کاغذ اخبار در ۱۲۱۵ خورشیدی تا سال ۱۲۸۵ ش. از میان شصت و نه نشریه چاپ شده، تنها به دو عنوان با موضوع «دین» برخورد کرده ایم، و در سال های ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ ش. از ۴۸۹ نشریه موجود، یازده نشریه دینی، و در مجموع، سی و یک نشریه با محتوای مذهبی به چشم می آید.

از سویی، ژرفای بررسی هادر این گونه مباحث، زیاد خواهد بود، چنان چه در سخن گفتن از هر رسانه ای ابتدا باید بخش هایی همچون پیام ها، مخاطبان و آفرینندگان پیام را شناساند تا بتوان تعریفی از آن رسانه به معنای مجرای انتقال پیام به مخاطب یا به معنای وسیله ارتباط برای بیان پیام، به دست داد.<sup>۴</sup> آفریننده پیام می تواند فرد، گروه، نهاد و یا سازمانی باشد که به منظور اثر گذاردن بر روی مخاطب یا مخاطبان خود، یک پیام دینی را خلق، و سپس منتشر کند، و پیام که در قالب متن، عبارت، تصویر و کلمه، اندیشه های پیام آفرینان را رقم می زند، و همگی این دانسته ها دست به دست هم می دهند تا هدفی که در تمامی ارتباطها، پی گرفته می شود را پدید آورند، و آن، واکنش است.

واکنش می تواند سرآغاز اندیشیدن به موضوعی تازه باشد، تغییر عقیده، درباره موضوعی بر اثر گیرایی شیوه بیان،<sup>۱۵</sup> ورود و خروج به آن مبحث باشد. تحکیم عقیده در اثر تکرار مطالب و بیان استدلال های تازه، و یا برانگیزاننده مخاطب برای انجام اقدام عملی بر پایه عقاید جدید، در پی تحریک های به عمل آمده باشد.<sup>۱۶</sup> سرکشی به همین مسائل است که سیر مباحث حاضر در بررسی رسانه ها یا منابع فکری جامعه در موضوع دین را به سمت شناسایی گفتمان های مجامع دینی و حوزه های علمیه، در گذشته ای نه چندان دور می کشاند و شوق دانستن سرگذشت اجمالی نویسندگان اصلی مطبوعات دینی<sup>۱۷</sup>، آشنایی با عنوان ها، مطالب و موضوعات اصلی این نشریات، سنجش کوتاه تغییرات کیفی، کمی و فنی آنها را در ما برمی انگیزاند.<sup>۱۸</sup>

تاریخ، چه خواندنی است، به ویژه آن گاه که به صورت موضوعی آن را به خواندن بگیریم، و سیر کلی جریانی را یک جا بنگریم. تاریخ تحلیلی پیش رو نیز از همین دست است تا بدانیم که ارتباط دینی،

چاپ این کتاب در شهر لندن و سپس در تهران<sup>۴</sup>، مورد عنایت تاریخ پژوهان بسیاری قرار گرفت، و در حقیقت اهمیت و جایگاه والای مطبوعات ایران را تا به اندازه اسناد معتبر تاریخی و فرهنگی، گوشزد کرد، و زمینه ساز تحقیقات ژرف تری شد. پس از این بود که دقیق ترین و دامنه دارترین اثر در معرفی و بالاتر از آن، در تحلیل و بررسی جرائد ایران به دست سید محمد صدر هاشمی صورت انجام پذیرفت، و در فاصله سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ خورشیدی، چهار جلد از آن در شهر اصفهان به چاپ رسید،<sup>۵</sup> و در اختیار جامعه علمی، قرار گرفت.<sup>۶</sup>

از این پس، فهرست هایی شامل معرفی جراید موجود در کتابخانه های عمومی<sup>۷</sup> و کتاب های راهنمایی از این دست، فراوان به چاپ رسید و هر چند که عنوان برخی از آنها را تحلیل مطبوعات زمان، و یا شهری خاص می یابیم،<sup>۸</sup> و تفصیل فراوان در متن آنها می بینیم؛ ولی دیگر خبری از تحلیل های دقیق صدر هاشمی و بازکاوی های بی مانند او که در اثر مطالعه سطر به سطر جرائد حاصل شده بود، نیست.

با این حال، نمونه های پسندیده تر از این میان را می توان در فهرست روزنامه ها و مجلات شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ به ترجمه و تحقیق حسین ابوترابیان<sup>۹</sup>، تاریخ ادبیات نوین به ترجمه یعقوب آژند در شناخت نشریات شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷<sup>۱۰</sup> و روزنامه های سیاسی انقلاب مشروطه، نگاشته عبدالرحیم ذاکر حسین<sup>۱۱</sup> و کوشش های فراوان سید فرید قاسمی<sup>۱۲</sup> به مشاهده نشست.

حال، سخن راندن درباره ارزش و جایگاه مطبوعات در سیر روشن فکری ایرانیان و بازتاب اندیشه ها و تاریخ و فرهنگ جامعه ایرانی، و بیان سیر فهرست نویسی مطبوعات، کار تازه ای نیست، ولی صاحب این قلم بر آن است تا با بازنگری تجربه های پیشین و با تکیه بر ارکان تمدن امروز، امکانی برای پژوهش و تفحص در تحلیل نشریات دینی داشته، و در بخش های گوناگون، به معرفی یک یک این اسناد ارزشمند بپردازد تا بدین وسیله از رهروانی که فراسوی راه ما چراغی برافروخته اند، یادی شود و نامی به میان آید.<sup>۱۳</sup> کاری که گستردگی چندان را در بر نخواهد گرفت؛ چه آن که

## تاریخ، چه خواندنی است، به ویژه آن گاه که به صورت موضوعی آن را به خواندن بگیریم، و سیر کلی جریانی را یک جا بنگریم

چگونه در قالب رسانه‌های کاغذی ریخته شده و تنزیه شریعت محمدی (ص)، ترویج اسلام، نشان دادن راه سعادت، تقویت اعتقادات دینی، نشر معارف دینی و دستورات مذهبی برای نجات ملت در برابر دستگاه‌های فساد اخلاقی، تلفیق میان تمدن و تدین، اعتلای کلمه اسلام، احیای سنن شریعت نبوی، ابطال بدعت، اعانت مظلوم و این گونه خواسته‌ها و داشته‌ها با چه جدیتی دنبال شده، چه آثاری داشته و چه نتایجی به بار آورده و حوزه‌های اثرگذاری و نتیجه بخشی آن، چه محدوده‌هایی را در برمی گرفته است.

### ۱. رویداد

در بیشتر کشورهای اسلامی، مسجد تنها نهادی است که برای نیایش و اجتماع‌های گوناگون بازمینه‌های مذهبی، پیش‌بینی شده است؛ اما فرهنگ ایرانی، با آن انگیزه‌های فردی و اجتماعی برخاسته از دگرگونی‌های پی‌درپی عقیدتی که در قالب اسلام ظاهر شده است، بر ماهیت و تعداد نهادهای مذهبی و اجتماعی اش افزود، و حتی مسجد که مبتنی بر آیات قرآن حکیم و سنت پیامبر اکرم (ص) بود<sup>۱۹</sup> را به گونه‌ای دیگر خواست.

در مساجد، احکام دولتی خوانده می‌شد؛ چنان چه در پایان فرمانی از محمدشاه قاجار آمده است که «آن عالی‌جاه قدغن کند که در مساجد و بالای منابر، در میان کافه‌اهل نهادند، این طغرای رفیع و توییغ و قیغ را بخوانند، و از آن قرار، رفتار کنند، و تخلف نمایند».<sup>۲۰</sup> گذشته از این، در جامعه ایرانی، می‌شد که مسلمان بود، و در عین حال، به مسجد پا نگذاشت، و نیازهای عبادی و روحانی خود را در دیگر اماکن مذهبی پرورده شده در فرهنگ ایرانی به جست‌وجو نشست.<sup>۲۱</sup>

این نهادها به خودی خود، هر یک موجب و مرکزی برای نشر باورها و پندارهای جامعه، تبادل اطلاعات و شایعه‌پراکنی، حفظ پیوند و موضع‌گیری اجتماعی است و در بسیاری از این مراکز، علاوه بر اجرای مراسم مذهبی و یا طریقتی، سخنرانی‌هایی با نتیجه‌گیری‌های اجتماعی و گاه سیاسی صورت می‌پذیرد. چنین مکان‌هایی که به جز در ایران، و گاه هندوستان، در دیگر جوامع

اسلامی و حتی شیعی نیز یافت نمی‌شود،<sup>۲۲</sup> آن چنان متنوع است که بررسی کارکردهای آن، کار آسانی به نظر نمی‌رسد، به ویژه آن که گاه از یک نهاد مشخص در محلی کوچک نیز تعدادی چند یافت شده، و ساکنان آن محل، به سبب پیروی از مذاهب مختلف، و بهره‌گیری از زبان جداگانه، و یا خاندان و خاستگاه متفاوت، برای برپایی آیین‌های مذهب خویش، و حتی آیین‌های مشترک با گروه‌های همسایه، از تأسیس عبادتگاه و نهاد خاص خویش غفلت نورزیده‌اند.

با این وجود، شناسایی این گونه مکان‌ها برای ترسیم شیوه ارتباط دینی در جامعه اسلامی، شیعی و ایرانی امری ضروری است، و از جمله آن‌ها می‌توان به نهادهای صوفیانه، داوطلبانه، زیارتگاه‌ها و مزارها اشاره داشت:

– نهادهای صوفیانه همانند خانقاه و زاویه که گاه به سبب تنوع سلسله‌های طریقتی که در یک منطقه خاص جغرافیایی نیز بسیارند.<sup>۲۳</sup>

– مزار امامان و امام زادگان و حسینیه‌ها که خاص مذهب شیعه اثنی عشری و یا محلی ثابت هستند. این نهاد از دایره ارتباطی بسیار گسترده‌ای بهره می‌برد؛ چرا که محل تلاقی اهالی تمام شهرها و محل و محمل ارتباطی و رفت و آمد بیگانگان است.

– نهادهای داوطلبانه که بر پایه عقیده دینی و مأثورات مذهبی، در خانه، کوچه و خیابان؛ گذر و بازار و بازارچه تشکیل می‌شود و کارکرد آن، بیشتر در روضه خوانی، سفره اندازی و سینه‌زنی خلاصه می‌گردد. افراد بسیاری، خانه مسکونی خویش را نیز بیت معصومان و امامان می‌نامند و در حقیقت، خویش را تنها، اجاره نشین آنان می‌شمارند، و بدین وسیله، ارتباط دینی اهل محل در آن مکان، به صورت دائمی و حتی در تمام ساعات شبانه روز برقرار می‌شود.<sup>۲۴</sup>

– مزارهای عمومی و مزارهای خصوصی در قالب تکیه و زاویه که در سالگرد در گذشت، و یا روزهای سفارش شده‌ای از هفته، و یا در روزهای ویژه ملی و مذهبی، عده‌ای از خویشان، به صورت اجبار، و یا برای کسب ثواب بدان جا می‌روند.

گاه، خویشاوندان سببی و نسبی، از روی عواطف انسانی،

## روزنامه نگاران این دوره، برخلاف گذشته، از هرگونه برخورد عقاید مذهبی، پرهیز دارند و در چنین زمانی است که علاقه مندان به تضارب آرا و اندیشه‌های دینی، به نشریات تخصصی و موضوعی روی می‌آورند

برخورد عقاید مذهبی، پرهیز دارند و در چنین زمانی است که علاقه مندان به تضارب آرا و اندیشه‌های دینی، به نشریات تخصصی و موضوعی روی می‌آورند و نمونه آن را درباره نشریات الاسلام و دعوة الاسلام خواهیم دید.

یکی از نشریات مذهبی فارسی زبان منتشر شده در خارج از فضای ایران، نشریه اسلامی مجلس مذاکره علمیه کلکته است که نام و منظور از تشکیل آن مجلس و نشریه‌ای برای افاده اهل اسلام به مذاکره علمیه، چه از علوم دینی و چه از علوم قدیمه متداوله ذکر می‌شود.

این نشریه، شماره نخست خویش را به دوزبان فارسی وارد در سی ام ماه می سال ۱۸۶۴ میلادی برابر با بیست و سوم ذی حجه سال ۱۲۸۰ قمری در شهر کلکته منتشر کرد، و از شماره دوم به این سو، تمام مطالب را به زبان فارسی نگاشت، و این رویه را تا انتشار آخرین شماره در ژوئن ۱۸۶۵ میلادی مطابق با محرم ۱۲۸۲ قمری ادامه داد.

«اسلامی مجلس» که خود را ناشران مجلس مذاکره علمیه اسلامی معرفی می‌کرد، دومین نشریه‌ای است که به زبان فارسی و با حروف سربی به چاپ می‌رسید، و تا سال ۱۲۹۲ قمری که روزنامه فارسی اختر در شهر اسلامبول به چاپ رسید، تنها نشریه با این ویژگی بوده است. نخستین روزنامه با چاپ سربی، همان گاورمنت است و دومین جریده با حروف سربی و نخستین نشریه فارسی با حروف سربی بخش فارسی، روزنامه ایندیگازت<sup>۲۶</sup> ذکر شده است. اسلامی مجلس ویژه انتشار گفت‌وگوهای مجلس، مذاکره علمیه و درج خبرهای آن مجلس و گزارش‌هایی از مسلمانان هندوستان و جهان اسلام در چاپ خانه هیأت مسیحی باپتیست<sup>۲۷</sup> به چاپ می‌رسید.

### موجودی‌ها

نگارنده این سطور تاکنون بر دوره کاملی از آن، دست نیافته است. ولی شماره‌هایی از آن، در کتابخانه دیوان هند<sup>۲۸</sup>، زیر عنوان «روی داد» ثبت شده، و موجود است؛ این عنوان شاید بدان علت است که درپاره‌ای شماره‌ها این واژه در پی آن، شماره و جلسه مجلس مذاکره

خانه‌های خود را در یک منطقه انتخاب کرده، و این عادت، پس از مرگ نیز دنبال می‌شود؛ چنانچه افراد خاندان دریک گورستان دفن می‌شوند، و اگر محل و کوی و برزن آنان گورستان ویژه‌ای ندارد، از مزارستان عمومی شهر استفاده برده، ولی مکانی خاص را به عنوان تکیه خانوادگی، ویژه خویش می‌سازند تا کسی که به زیارت می‌رود، بدون سختی و دشواری، موفق به زیارت همه خاندان شود.

این گونه تکیه‌ها هر چند که دایره ارتباطی وسیعی را دربر نمی‌گیرد، ولی از آن جهت که برخی از آنها در اطراف قبور علما و خدمت گزاران اجتماعی ایجاد می‌شود،<sup>۲۵</sup> اندک اندک محمل ارتباطی دینی و ژرف تری را پدید می‌آورد. حال با در نظر داشتن چنین نهادهایی است که می‌توان پدید آمدن نهاد جدید نشریه را در جریان شناسی فکری مردم آن زمان ایران، و سپس با مشترکات فراوانی در جامعه شیعی هندوستان مورد بررسی قرار داد و تأثیر یک مجله دینی و مذهبی را به مطالعه گرفت.

جنگ‌های پی در پی ایران و روس در عصر فتحعلی شاه هنوز تأثیرات عمیقی را در پیکره اجتماع باقی گذارده، و موجب شده بود تا آرمان برتری اسلام بر دیگر ادیان و عقیده سروری ایرانیان بر دیگر ملت‌ها و پندار اندیشه و هوش برتر ایشان نسبت به همه انسان‌ها به طور کلی خدشه دار شود و یک عقده و عقیده منفعل و عمومی از آن پدیدار گردد.

این عقیده، زمینه بروز کامل و روشن نیافته و واکنش‌ها تنها به خمود و خمود و نزدیک پنداشتن ظهور موعود آسمانی انجامید، اما اندیشه آن که ایران در برابر بیگانگان کافر، ناتوان است و این سرشکستگی، ناشی از عدم وجود نیرو و ساز و برگ جنگی، و موجب آن، سران ایران، اعم از شاه و دربار و عالمان دینی است، تنها بعدها به ظهور پیوست، و نشریات فارسی نخستین، در واقع به گونه‌ای آن را بیان داشتند. در دور بعدی انتشار روزنامه‌های فارسی که اکنون مورد بررسی و مطالعه این مقال است، البته چنین مسائلی به کلی فراموش شده و در آنها از مذهب و دین اسلام و دیگر ادیان الهی با احترام سخن به میان می‌آید.

از سویی روزنامه نگاران این دوره، برخلاف گذشته، از هرگونه

## سبب انتشار الاسلام را ادعای مبلغان مسیحی در پاسخ نگفتن اهل اسلام به آنها حتی در قبال گشایش اداره‌های دعوت به مسیحیت دانسته، و آهنگ خود را درج گفت‌وگوهای هر روز در هر شماره اعلام کرد

مسیحیت دانسته، و آهنگ خود را درج گفت‌وگوهای هر روز در هر شماره اعلام کرد. الاسلام با آن که از حمایت صریح حکومت اصفهان برخوردار بود، پس از شماره نخست، از انتشار بازداشته شد، و به دستور دولت مرکزی، توقیف شد. امین السلطان از دامن زدن به جدال‌های مذهبی می‌هراسید، و رنجش کشورهای قدرتمند مسیحی را بر نمی‌تابید؛ ولی سرانجام پس از پنج ماه، شخص مظفرالدین شاه انتشار مجدد آن را بدون مانع دانست،<sup>۳۴</sup> و به توصیه ظل السلطان حاکم اصفهان، خلعتی برای مدیر نشریه فرستاد، و از آن جا که او از خاندان داعی صغیر والی مازندران بود، و در اثبات حقانیت دین اسلام می‌کوشید، وی را به داعی الاسلام ملقب کرد. اهمیت اعطای این لقب، به ویژه از آن رو است که مظفرالدین شاه تنها دو تن را لقب داد؛ جلال‌الدین کاشانی مدیر جبل‌المتین را مؤید الاسلام، و میرزا محمدعلی لاریجانی، مؤسس و مدیر الاسلام را داعی الاسلام.

با وجود رفع توقیف از نشریه، و با آن که علت توقیف، در جملاتی همچون: «از جهت مصالح دولت و ملت، از طرف دولت قوی شوکت، امر به تعویق طبع شده...»<sup>۳۵</sup> پوشیده ماند، بسیاری هنوز نسبت بدان خوش بین نبودند، چنانچه علاءالدوله حاکم فارس آن را در دارالحکومه خود مصادره می‌کرد، و از هفت صد نسخه‌ای که چاپ می‌شد،<sup>۳۶</sup> تنها سی صد نفر مشترک سالیانه داشت که آنان نیز با تقلیل قیمت سالیانه، مضایقه می‌کردند،<sup>۳۷</sup> و قدرثلث آن چه از چاپ بیرون می‌آمد، دور ریخته می‌شد.<sup>۳۸</sup> به هر حال، هر چه بود، انتشار الاسلام با چاپ شماره دوازدهم در شوال ۱۳۲۱ قمری به پایان آمد، و شماره نخست سال دوم در ذی‌قعدة ۱۳۲۱ قمری منتشر شد، ولی تا آخرین شماره‌ای که در ربیع‌الاول سال ۱۳۲۴ قمری انتشار یافت از اصول و قالب اولیه، عدول چندانی نیافت.

هم چنان در صفحه پایانی نشریه، نام مدیر آن به صورت: «محمدعلی الحسینی داعی الاسلام»<sup>۳۹</sup> درج می‌شد، و عنوان مراسلات به نام همو در مدرسه صدر بازار بود، و نام همکاران مطبوعاتی از جمله سید عبدالحسین موسوی که گویا همان

علمیه آمده است.<sup>۲۹</sup> هم چنین دوره‌ای از آن، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود، و در ردیف کتاب‌ها ثبت شده است!<sup>۳۰</sup>

### ۲. الاسلام

اداره دعوت اسلامیّه، ابتدا با همکاری میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی (۱۲۵۴-۱۳۳۱ ق.) نایب‌الحکومه اصفهان<sup>۳۱</sup>، و زیر نظر آقا شیخ نورالله ثقة‌الاسلام<sup>۳۲</sup> به منظور مناظره با دانشمندان مسیحی و مسیونرهای انگلیسی که با تسلط به زبان فارسی، از هندوستان به اصفهان آمده بودند، در خانه رکن‌الملک تشکیل شد. در حقیقت، برگزاری این جلسه در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۰ قمری<sup>۳۳</sup> برای تجهیز نیروی فکری در مقابله با مبلغان مسیحی مهاجر به اصفهان، و به ویژه پاسخ به کتاب ینابیع الاسلام نگاشته تیزدال در رد اسلام بود.

نتیجه‌ای که از برگزاری این نشست حاصل شد، لزوم برگزاری مباحثه با مسیحیان بود، و سید محمدعلی نیایکی لاریجانی که بعدها به داعی الاسلام شهرت یافت، مأموریت برقرار کردن چنین مناظراتی را یافت. داعی الاسلام، حجره خود در مدرسه صدر بازار اصفهان را به محل این اداره اختصاص داد، و پس از مدتی بهتر آن دید که مؤسسه دینی دعوت اسلامیّه را به مکانی در محله جلفای اصفهان، و در جوار تشکیلات تبلیغی مسیحیان منتقل کند، وی نام آن مکان را انجمن صفاخانه نهاد، و ادامه کار خویش را تا ظهور قائم آل محمد (عج) و پیوستن به دولت دادگستر او آرزو کرد.

داعی الاسلام که بیش از ۲۳ سال نداشت، اندک اندک در اندیشه به چاپ رساندن مقالات انجمن صفاخانه افتاد، و مقدمه اعزام مبلغان مسلمان به ممالک خارجه، برای مقابله به مثل با مسیحیان را در انتشار نشریه دید، و نخستین شماره این جریده را در ماه رمضان سال ۱۳۲۰ قمری مطابق با آذرماه ۱۲۸۱ خورشیدی و دسامبر ۱۹۰۳ میلادی به عنوان ارگان ماهانه انجمن صفاخانه منتشر ساخت.

وی سبب انتشار الاسلام را ادعای مبلغان مسیحی در پاسخ نگفتن اهل اسلام به آنها حتی در قبال گشایش اداره‌های دعوت به



می‌نمود، حفظ شد. قیمت و قطع که خشتی، و با ابعاد ۱۸×۲۲ سانتی متر بود، تغییری حاصل نکرد<sup>۴۳</sup>، و چاپ آن با خط نستعلیق متوسط، و چاپ سنگی، هم‌چنان ادامه یافت. ۴۴ شماره مجموع صفحات نشریه در سال نخست، صد و نود و دو صفحه، و در سال دوم نیز همین تعداد است، ۴۵ و حتی شناسنامه آن بدون تغییرات مانده ۴۶، و نام مؤسس در هیچ‌کجای آن، درج نشده است. ۴۷

#### موجودی‌ها

شماره‌هایی از این نشریه ارزشمند دینی هم اکنون در بسیاری از کتابخانه‌های ایران و جهان یافت می‌شود؛ از جمله در کتابخانه شخصی نگارنده این سطور، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران<sup>۴۸</sup>، آکادمی علوم جمهوری آذربایجان<sup>۴۹</sup>، کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان<sup>۵۰</sup> و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.<sup>۵۱</sup>

#### ۳. قانون

قانون در دوره‌ای به چاپ می‌رسد که نشریات ویژه موضوع امر دین و مذهب وجود ندارد. البته این بدان معنا نیست که در جراید پارسی‌زبان، نامی از مذهب به میان نمی‌آید، و بحث‌ها و نقدهای دینی در نمی‌گیرد؛ بلکه حساسیت‌های مذهبی، بیش از گذشته مجال طرح و درج یافته، و مطالب بیشتری درباره مسائل گوناگون جامعه مسلمین به چشم می‌آید.

میرزا عبدالحسین، امام جمعه حسین‌آباد اصفهان است، گاه مذکور می‌افتاد. ۴۰ آبونه نشریه نیز هم‌چنان ماهانه مانده بود؛ ولی نشریه، خود به صورت فصلنامه منتشر می‌شد، و با این حال بسیاری از مشترکان آن، در سال سوم اشتراک نیز «با کمال بی‌شرمی به بد حسابی خود ادامه دادند». ۴۱

الاسلام تا نشر آخرین شماره خویش نیز بر درج مفصل مناظره‌های صورت گرفته در انجمن صفاخانه تأکید داشت، و تنها از شماره سوم به این سو، گاه شرح حال برخی از نام‌آوران مذهبی معاصر، و صورت روزنامه‌های واصله به دفتر نشریه، و گاه نامه‌های خوانندگان، و پاسخ داعی الاسلام به آن را شامل می‌شد؛ چنانچه در شماره پنجم سرگذشت فخر الاسلام را به نقل از کتاب انیس الاعلام فی نظارة الاسلام نگاشته همو، و احوال و آثار سلیمان‌خان رکن‌الملک شیرازی که حق و حقوق فراوانی بر گردن انجمن داشت را به قلم ادیب‌التجار آورد.

این همه پای‌بندی به مضمون‌های اولیه و چنین اثباتی در افکار و آرا، در صورت فنی نشریه نیز به خوبی به چشم می‌آید؛ هم چنان که در طی انتشار، مجموعاً بیست و چهار شماره، شیوه نگارش که به انعکاس سبک محاوره و مناظره، به دور از تکلف و تصنع بود، بدون تغییر ماند.

سرلوحه نشریه با بسمله در میان و آیه «وإن‌الدین عند الله الاسلام»<sup>۴۲</sup> به گونه‌ای که کلمه آخر به صورت نام نشریه جلوه

## مفرح القلوب و آن‌گاه روزنامه مشهور جبل‌المتین در کلکته به دفاع از حقوق مسلمانان و شیعیان پرداخته، و بی‌پرده، اخبار‌گرویدن نامسلمانان و انگلیسی‌های ساکن هندوستان به دین اسلام را درج می‌کنند تا آن‌که حساسیت گروه‌های بسیاری را برمی‌انگیزانند

به سیاست و انتقاد از حکومت می‌پردازد؛ ولی رگه‌های اندیشه دینی در هر یک از مطالب آن به حدی زیاد است که پوشیده انگاشتن آن‌ها ناممکن به نظر می‌رسد، چنان‌که درباره قوه قانون‌گذاری، منع قدرت مراقبت را خودامت دانسته، و می‌نویسد: «ذکری از انتخابات آزاد نشده، و اعضای مجلس عبارت‌اند از: مجتهدان بزرگ، و بر قوانین این مجلس، علمای اسلام باید صحنه بگذارند».

از دیگر انگاره‌های این نشریه که با مقالات مختلف پی‌گرفته می‌شود، همان سیاست حمایت از شریعت و جلو انداختن روحانیان برای دستیابی به قانون و آزادی است.

ستایش و پذیرش حکومت اسلامی به رهبری اهل علم، به ویژه برداشت‌هایی است که بر اثر روابط نزدیک با سید جمال‌الدین اسدآبادی دارد. روابط با سید جمال، آثار بیشتری نیز در نشریه باقی گذارد، و پس از مدتی که او به یکی از همکاران قانون تبدیل شد، نظریات دیگر همکاران نشریه از جمله میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی تعدیل شد، و اسلام‌گرایی قانون، به حد چشم‌گیری، افزایش یافت تا آن‌جا که تحلیل‌گران امروز مسائل دینی و پژوهش‌گران مذهبی از طرح مباحثی درباره آن ناگزیرند.

مضامین اندیشه‌های سید جمال درباره اتحاد اسلامی در هر شماره بیش از پیش در نظر می‌آید، و هنگامی که او به لندن مسافرت می‌کند، خبر ورود او در قانون درج شده، و در مقابل، سید جمال نیز از میرزا ملکم حمایت می‌کند.

ملکم برای همکاران و دوستان مجمع مشهور آدمیت، عنوان قرآنی حزب الله را به کار می‌گیرد، و این‌که شعار حزب الله الله اکبر است، در پایان مقالات می‌آید. قانون به تحریک روحانیون برای ورود به صحنه سیاسی و اجتماعی پرداخته، و حرکات هر یک از این طایفه در زمینه سیاست راستایش می‌کند، و بی‌حرمتی به این گروه از جامعه را شدیداً محکوم می‌سازد، و پس از لغو امتیاز تنباکو، جهت‌گیری‌هایش در این زمینه را روشنی بیشتری بخشیده، و با تشویق آنان برای آمدن به میدان سیاست، آیت الله میرزا محمد حسن شیرازی، رهبر نهضت تنباکو را رهبر مجمع آدمیت می‌شناساند.

از نشریه‌های فارسی زبان چاپ هندوستان به شماری از آن‌ها که می‌نگریم، تبلیغی از مسیحیت نمی‌یابیم؛ هر چند که دخالت دولت بریتانیا در آن‌ها امری پوشیده نیست. از طرفی هندوها دخالتی در روزنامه‌های فارسی ندارند، و دیگر جراید فارسی زبان، توسط ایرانی تباران، مسلمانان و شیعیان ساکن هندوستان تهیه و تولید می‌شود. اخبار و مقالات، به اسلام گرایش دارد، و در جای جای نگاشته‌ها ارجاع به آیات قرآن و احادیث دیده می‌شود.

جریده سید الاخبار که از چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۶ قمری آغاز به کار می‌کند، با سید جمال‌الدین اسدآبادی، روابط علمی پیدا کرده، و مدیران آن، سید آقا شیرازی و سید محمدعلی شوشتری، بیش از همه نشریات به مسائل جهان اسلام می‌پردازند.

مفرح القلوب و آن‌گاه روزنامه مشهور جبل‌المتین در کلکته به دفاع از حقوق مسلمانان و شیعیان پرداخته، و بی‌پرده، اخبار‌گرویدن نامسلمانان و انگلیسی‌های ساکن هندوستان به دین اسلام را درج می‌کنند تا آن‌که حساسیت گروه‌های بسیاری را برمی‌انگیزانند. در این میان، جریده قانون در خارج از ایران به چاپ می‌رسد.

شاید درباره این نشریه نگاشتن، و بحث از آن دور از تصور باشد. جریده‌ای با وابستگی‌هایی به ماسون‌ها و باشعار عدالت و ترقی، آیا در میان نشریات دینی و مذهبی، جایی دارد؟ پاسخ به این پرسش در مطالعه و بررسی همه شماره‌های موجود قانون نهفته است.

اگر چنانچه بررسی همه جانبه‌ای درباره آن صورت پذیرد، اذعان می‌شود که دست کم طبقه‌بندی و نهادن این نشریه در هیچ موضوعی امکان‌پذیر نیست، و این قلم از آن جهت به آن می‌پردازد که جهت‌گیری‌های فراوان و نظریات بسیاری درباره مذهب ابراز داشته، و حتی شاید یکی از مذهبی‌ترین نشریات فارسی چاپ خارج از ایران باشد. البته قصد و نیت واقعی ناشر قانون؛ یعنی میرزا ملکم خان ارمنی، از پرداختن به مسائل مذهبی، جای بررسی و تأمل دارد.

شماره نخست قانون در اول ماه رجب سال ۱۳۰۷ قمری به عنوان نخستین جریده فارسی چاپ اروپا در لندن آغاز شد، و به مدت هفت سال پی‌درپی ادامه یافت. میرزا ملکم خان ناشر قانون، رویه خویش را در شماره‌های نخست، یک به یک تشریح کرده، و بیشتر

## در دیدگاه قانون، رقابت سلطنت و شریعت باید به سود شریعت پایان پذیرد، و به ویژه اکنون که اسلام را حاکم نمی‌داند، حکومت را نامشروع و دولت شاهنشاهی را غصبی و حکومت مجتهدان در آینده را شرعی و بر حق می‌پندارد

می‌نویسد، رئیس روحانی ملت، باید خیلی بالاتر از شاه باشد، و از همین جا است که در مجمع آدمیت نیز به بحث درباره مسائل مذهبی، علاقه نشان می‌دهد، و نامه‌های روحانیانی که با مجله در ارتباط هستند را در قانون درج می‌کند.

ملکم خان، ارمنی زاده اصفهانی، درس خوانده فرنگ، شعبده باز دربار،<sup>۵۳</sup> استاد مدرسه دارالفنون، و هموکه سال‌های عمر را بیشتر در اروپا به سربرده است، کشتی بخار و تلگراف را از یک پرتو شعاع اسلام می‌داند، و شعارهای مورد پسند را دوست دارد که فرشتگان اسلام به خط طلا بر در و دیوار مساجد بنویسند. قانون چنین نشریه‌ای است، و اثرات بسیاری در باروری مشروطه و جریان‌های فکری ایرانیان دارد، و هرکجا که انتقادی و یا پیشنهادی دارد، آن را با مسائل اسلامی در می‌آمیزد: «یکی از امرای مغرب زمین، این مسأله ذیل را از یک مجتهد مدینه منوره، مکتوباً، استفتاء کرده بود که در این ملک، یک وزیر جوان ظهور کرده...».

«هرکس از خدا می‌ترسد، هرکس طالب سعادت دنیا و آخرت است... باید... در دفع این دستگاه ظلم بکوشد، و از طرف دیگر در این سلسله اتحاد مسلمین، به هدایت علمای اسلام با تمام مردانگی خود، مهد استقرار دولت حقه بشود، سعید دنیا و آخرت است، آن که وجود خود را در راه خدا وقف حصول چنان مقصود مقدس بسازد...» و استناد به آیات قرآنی در کلیه استدلال‌ها به ویژه در گفت‌وگوهای صاحب کمال و حضرت شریعتمدار که اشاره به هر یک، مجال مارا تنگ می‌سازد، و از همه شگفت‌تر، نام نهادن نشریه به الواح که باز هم اصطلاحی قرآنی است.

قانون تا چه زمانی ادامه یافت؟ کسی نمی‌داند و اگر گفته اند که با مرگ ناصرالدین شاه پایان پذیرفت، اشتباهی بیش نیست. این بی‌اطلاعی را بیفزایید بر این که این نشریه هیچ‌گاه بر خود، تاریخ انتشار نداشت، و شاید با توجه به ضعف پست و کندی پخش آن، میان خواستاران، از کهنه شدن می‌هراسید، و شاید آن که خود را رساله و کتابچه‌ای می‌پنداشت؛ نه نشریه و از همین رو، فاصله انتشار آن نیز هیچ‌گاه قید نشده، و با این حال، گویا که ماهیانه بوده است.<sup>۵۴</sup>

قانون را علاوه بر آن که گویی دوستداران و همفکران ملکم،

از این پس اعتقاد و التزام به رهبری مراجع تقلید و مجتهدان ایران و نجف، قوت می‌گیرد و حتی عریضه‌ای خطاب به میرزای شیرازی به چاپ می‌رسد که هر راهی را که بنمایند، عین فلاح؛ و هر امری که بفرمایند فریضه مطلق خواهد بود و سپس آن گونه وانمود می‌کند که وی پذیرفته و رهبران آن شده و بنابراین همواره او را «رهبر جماعت ما» نام می‌نهد.

قانون که از شماره نخستین، اصول اکمل قوانین را در شرع اسلام، مثل آفتاب در پیش روی خود موجود و روشن دیده بود، اکنون در مورد اجرای احکام شرعی اصرار می‌ورزد، و به قوانین وضع شده فرنگیان بی‌اعتنایی کرده، و دست‌گیری و اعطای در بندگی که بر ضد شاه سخن رانده بود را دست آویزی برای حمایت آشکار از شریعتمداران می‌کند.<sup>۵۲</sup>

قانون بر اعتقاد به ننگین بودن قوانین فرنگ پای می‌فشارد، و به ترویج نظر حکومت با واسطه شریعت روی کرده، و خطاب به حکومتیان می‌نگارد که اگر مسلمانید، باید محکوم علم علمای اسلامی باشید. دولت حقه، اصطلاحی برای آن حکومت مطلوب، و مبتنی بر شریعت اسلام و مذهب شیعه امامیه است؛ حکومتی جهان شمول و با تأکید بر اتحاد اسلام؛ چراکه قانون شریعت غرای اسلام، خزانه معرفت، و اسلام، منبع قدرت، و ضامن آسایش مردم، و محرک کل تنظیمات دنیا است، و سعادت بنی آدم به ظهور چنین دولت حقه‌ای خواهد بود.

در دیدگاه قانون، رقابت سلطنت و شریعت باید به سود شریعت پایان پذیرد، و به ویژه اکنون که اسلام را حاکم نمی‌داند، حکومت را نامشروع و دولت شاهنشاهی را غصبی و حکومت مجتهدان در آینده را شرعی و بر حق می‌پندارد.

اعتراض‌های او به همه کسانی است که اطاعت از شاه را واجب می‌شمارند، و حتی خطاب به روحانیانی که مروج چنین عقایدی هستند، می‌نگارد: «نفهمیدم این وجوب را از کدام اصول برداشت کرده‌اند، این شاه است، نه امام و خلیفه».

این اندیشه‌ها روز به روز صریح‌تر می‌شوند، ملکم در پاسخ پرسشی که می‌گوید: شما می‌خواهید مجتهدی را شاه ایران بکنید،



## گرایش فراوان به مذهب، و درصدد پاسداری از اسلام برآمدن، اندک اندک در پیشینه مطبوعات این دوره، خود را نشان می دهد؛ چنانچه حتی هفته نامه فکاهی تشویق در مباحثه و محاکمه حکومت مستبده و حکومت مشروطه، از ادله مذهبی و استناد به اصول شیعی بهره می جوید تا سرانجام استبداد را مجاب کرده باشد

قابل دفاع نیست.

### ۴. دعوت الحق

مطبوعات دینی و مذهبی در دوره تاریخی بعدی، شامل عنوان های بسیاری می شود، و مباحث گذشته مذهبی گذشته که به ذکر مصیبت امامان در روزنامه علمی<sup>۵۷</sup> و یا المنطبعة فی الفارس محدود بود، به صفحات مجلات و جراید تخصصی و پر برگ، گسترش می یابد؛ اما از سویی تحلیل کامل این نشریات، علاوه بر جرایدی که مذهبی بوده، به زبان های دیگری از جمله ارمنی و عربی به چاپ رسیده اند. این قلم، هر چند که نمونه هایی از آن را به دست خواهد داد و در نمایاندن مطالب آن ها خواهد کوشید، ولی به سبب عدم دسترسی به تمامی شماره های یک جریده، گاه دامن بحث را به سرعت، کوتاه کرده است.

گرایش فراوان به مذهب، و درصدد پاسداری از اسلام برآمدن، اندک اندک در پیشینه مطبوعات این دوره، خود را نشان می دهد؛ چنانچه حتی هفته نامه فکاهی تشویق در مباحثه و محاکمه حکومت مستبده و حکومت مشروطه، از ادله مذهبی و استناد به اصول شیعی بهره می جوید تا سرانجام استبداد را مجاب کرده باشد.<sup>۵۸</sup>

مطبوعات دینی که آهسته آهسته جای خود را در میان قشرهای گوناگون جامعه گشوده اند، در این میان نقش مهم تری را ایفا می کنند؛ اما از آن جهت که به فرد یا گروهی وابسته اند و هیچ یک در شمار جراید دولتی نبوده اند دست یابی به تعدادی از شماره های منتشره از سوی آنان تا کنون برای پژوهش گران ناممکن بوده است. جراید دینی در این دوره، علاوه بر آن که نشریاتی با موضوع مذهب و دین هستند؛ ولی برخلاف دوره پیشین، شامل مطالب گوناگون صوفیانه و عرفانی و عناوین خبری و اجتماعی نیز شده اند. روزنامه اتحاد الاسلام از جراید منتشر شده در اسلامبول است که به پیشنهاد شاهزاده ابوالحسن میرزا (حیرت) تأسیس یافته، و به دو زبان فارسی و عربی چاپ می شد؛ اما نسخه ای از آن را نیافته ام. مجله جهان اسلام نشریه ای است چاپ پاریس که به سبب آن

همزمان و یا با تأخیرهایی در ایران، و در تیراژ محدود منتشر می ساخته اند، تا کنون دو بار دیگر با اشتباهات و کاستی هایی به چاپ رسانده اند، نخستین بار توسط کتاب فروشی تربیت در تبریز، و بار دیگر به دست مؤسسه انتشارات امیرکبیر در تهران به سال ۱۳۵۵ خورشیدی. توضیحات بیشتر درباره نحوه چاپ و پخش قانون در مقدمه این چاپ ها آمده و مراکه تنها درصدد نمایاندن بعد دینی این جریده بوده ام، از ارائه و تکرار اطلاعات موجود، معاف می دارم، به خصوص چاپ جدیدتر آن که به وسیله انتشارات کویر در سال ۱۳۷۰ خورشیدی و با تیراژ بالا منتشر شده است.

### ملکم خان

میرزا ملکم، فرزند میرزا یعقوب ارمنی، در سال ۱۲۴۹ قمری در شهر اصفهان چشم به جهان گشود. درباره خانواده اش اتهامات بسیار بسته، و پدر را جاسوس انگلیس دانسته اند. ملکم از ده سالگی به پاریس رفت و تا نوزده سالگی به تحصیل ریاضی و حقوق اشتغال داشت، و سپس به ایران بازگشت، و نخستین پایه گذار انجمن فراموش خانه،<sup>۵۹</sup> و مترجم دربار ناصری شد.

شاه را از او بیم دادند و پدرش گریخت و خود به اسلامبول تبعید شد، و با دختری ارمنی ازدواج کرد، و گفته اند که باز به دین نیاکان بازگشت، و تبعه عثمانی شد. آن گاه مورد الطاف دوباره دربار قرار گرفته، و سفارت ایران در بریتانیا، آلمان و هلند را یافت، و ناظم الدوله نامیده شد.

وی واسطه امتیازهای انگلیسی ها در ایران بود، و خود، صاحب امتیاز کارینو شد که ناگهان شاه، امتیاز را لغو کرد، و با لغو امتیاز، ملکم خان مبارزه اش را علیه شاه آغاز کرد، و از جهتی، دادگاهی در بریتانیا ملکم را در قضیه امتیاز کارینو، کلاه بردار خواند. مظفرالدین شاه در سفر اروپا وی را به حضور پذیرفت، و سرانجام به سفارت فرانسه و ایتالیا منصوب کرد... سعی ما در این بخش از مقاله گذری کوتاه بر جریده قانون و آشنایی بسیار اجمالی با فعالیت های اساسی ملکم خان بود،<sup>۶۰</sup> ولی درصدد دفاع از او بر نیامده ایم؛ چه آن که لزوماً هر کس در حوزه دین فعالیتی صورت داده، در تمامی مراحل،



وروبه راه نمایند، می دانند...<sup>۶۴</sup> و سپس از عموم دین پژوهان دعوت به هم کاری و هم راهی با مجله را می کند.

#### چاپ و توزیع

دعوة الحق در چاپخانه خورشید<sup>۶۵</sup> در تهران به چاپ رسید تا نخستین محصول این مطبعه باشد و سرلوحه ای به هر دو صورت خطی و حروفی بر صفحه نخست، به کار گرفته بود. این نشریه با وجود آن که تخفیف خود را ویژه طلاب و محصلان مدارس جدید کرده بود<sup>۶۶</sup>، به جای آن که دست کم سی و پنج شماره ای از آن انتشار یابد، چون در فواصل بسیار نامنظمی به چاپ رسید، فقط چهارده شماره از آن رؤیت شد.<sup>۶۷</sup>

وجه اشتراک آن در تهران، یک تومان و در سایر شهرها دوازده قران، و در ممالک خارجه، هشت فرانک ذکر شده بود، و این مبالغ قیمت های گزافی نبود تا مخاطبان را گریز دهد. شاید سبب اصلی نامنظم بودن چاپ دعوة الحق را باید در مشاغل و مسئولیت های فراوان مدیر آن جست و جو کرد.

#### محمدعلی بهجت

میرزا محمدعلی دزفولی مشهور به بهروز خاوری و بهجت، از تحصیل کردگان حوزه نجف اشرف و صاحب اجازه اجتهاد از آخوند خراسانی بود. هم زمان با تأسیس مجله دعوة الحق، در مقابل شمس العماره تهران، کتابخانه معارف را برای فروش کتب قدیم و

که به زبان فرانسه انتشار یافته، از بحث درباره آن خودداری می کنم. اما ماهنامه دعوة الحق نشریه ای است که در روز اول ماه شعبان سال ۱۳۲۱ قمری در تهران آغاز به انتشار کرده است. مدیر و ناشر این جریده، محمدعلی دزفولی، مرام نامه نشریه خویش را موضوعات دینی، و این جریده را صحیفه ای می داند که از حقایق دین اسلام و منافع راجعه به حوزه مسلمین بحث می کند.

دعوة الحق، آن چنان به صورت نامنظم و با تعطیلی های دراز مدت منتشر شد که در سال نخست، تنها ده شماره از آن به چاپ رسید و پس از یک تعطیلی یک ساله، تا جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ قمری ادامه یافت.<sup>۵۹</sup> و در مجموع، بیش از چهارده شماره از آن را به دست نیاورده ام.<sup>۶۰</sup> شماره هایی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران<sup>۶۱</sup> و کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی<sup>۶۲</sup> موجود است.

ذکاء الملک درباره انتشار دوباره این مجله، چنین می نویسد<sup>۶۳</sup>: «مجله شریفه دعوة الحق که از حقایق و معارف اسلامی، و مزایا و منافع مسلمین سخن می گفت، و بلاد و ممالک ما را به انوار تحقیقات لامعه و ازهار تدقیقات ساطعه، منور می ساخت، چندی چون آفتاب زمستان در پرده سحاب بود، المنة الله که در اواخر این بهار، به طالبان دیدار، مانند ماه نو، گوشه ابرو نمود... نگارنده محترم این مجله راققه فائقه... آقا میرزا محمدعلی بهجت دزفولی... را به خوبی می شناسند، و قدر خدمات و مجاهداتش را در راه دانش و نشر معلومات دینی و دنیایی و انتشار حکمت های اخلاقی، و ذکر موجبات تذکر و شرح نتایج فکر و هر چه ما را به کار آید

## ترجمه خطبه امیرمؤمنان (ع) به مالک اشتر حاکم مصر به قلم میرزا صادق وقایع نگار آمده

که به فرمان فتح علی شاه صورت انجام پذیرفته و حاوی اشعار فراوانی

از مولوی وسعدی و صفی علی شاه و مدیر نشریه است

و مذهبی، سخن نمی گوید!، و از طرفی می دانیم که میرزا علی اکبر شیدا نیز از موسیقی دانان مشهور این زمان است که نام وی به عنوان مدیر و نگارنده مجموعه اخلاق درج می شود.<sup>۷۴</sup>

### چاپ و نشر

دفتر مجموعه اخلاق، همان مکان انجمن اخوت بود، و به صورت سربی در چاپخانه خورشید شهر تهران به چاپ رسید؛ تاریخ چاپ مجله، در بیشتر شماره ها نیامده است، و پیش از تعطیلی<sup>۷۵</sup> برخلاف شماره های پیشین که هر دو هفته یک بار انتشار می یافته، در هر ماه، سه شماره از آن چاپ شده است.

سرلوحه مجله، همان کلیشه مشهور دو تبرزین و کشکول و اعداد سیزده و هفده و آیه «هُوَ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى» است.<sup>۷۶</sup> مجموعه اخلاق از همان شماره نخست، از مظفرالدین شاه به نیکی سخن می راند، و اساس پدید آمدن مجله را ترویج اخلاق و درج کلمات آسمانی و اخبار ائمه طاهرین می شمارد.

هم چنین ترجمه خطبه امیرمؤمنان (ع) به مالک اشتر حاکم مصر<sup>۷۷</sup> به قلم میرزا صادق وقایع نگار آمده که به فرمان فتح علی شاه صورت انجام پذیرفته<sup>۷۸</sup> و حاوی اشعار فراوانی از مولوی وسعدی و صفی علی شاه و مدیر نشریه است.

این مجله، از آغاز تا پایان و در قالب هیجده شماره خود، در مجموع، صد و چهل و چهار صفحه به قطع خستی کوچک انتشار داد<sup>۷۹</sup> که انباشته از مواعظ ربانی، اقوال حکمای الهی و گفتار متکلمان عرب و عجم است، و مطالب آن، جز تفسیر و تأویل آیات قرآنی نیست، و با این حال، خود را از قید درآمدن در صف نشریات دینی، رها کرده است.<sup>۸۰</sup>

### ۷. دعوت الاسلام

دو هفته نامه دینی و مذهبی دعوت الاسلام، نخستین شماره خود را در اول ماه رمضان سال ۱۳۲۴ قمری مطابق با بیستم اکتبر سال ۱۹۰۶ میلادی در شهر بمبئی انتشار داد.<sup>۸۱</sup> این نشریه که تا پایان سال ۱۳۲۶ قمری ادامه یافت، ارگان انجمن دعوت اسلامی به مدیریت

جدید بنیان نهاد، و در همان سال ۱۳۲۱ قمری بود که به تأسیس انجمن علمی در تهران همت گمارد. وی در دوره دوم مجلس به نمایندگی از مردم خوزستان در مجلس شورای ملی شرکت کرد و ریاست کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی اداره انطباعات وزارت معارف را برعهده گرفت.<sup>۶۸</sup>

بنا نهادن آموزش گاه فنی هنر که دارای بخش های صنعتی و کشاورزی و شعبه ای جداگانه برای دختران بود، و تألیف کتاب روش پرورش<sup>۶۹</sup> از دیگر فعالیت های او است. وی پس از تعطیلی دعوت الحق به انتشار روزنامه معارف روی آورد.<sup>۷۰</sup>

### ۵. روزنامه معارف

روزنامه معارف در تاریخ بیست و پنجم ماه شوال سال ۱۳۲۴ قمری<sup>۷۱</sup> به عنوان دومین روزنامه رسمی و قانونی ایران در شهر تهران به چاپ رسید. عنوان محمدعلی بهجت تا سال ۱۳۲۵ قمری مدیر و نگارنده بود و از آن پس که نشریه رویه ای سیاسی در پیش گرفت به مؤسس و مدیرکل تغییر یافت.<sup>۷۲</sup> این نشریه از آن جهت که در شمار جراید موضوعی و فعالیت آن نخست در زمینه فرهنگ، و سپس در میدان سیاست است، از موضوع مقاله حاضر خارج می شود.

### ۶. مجموعه اخلاق

ناشر افکار ارگان انجمن اخوت، متشکل از صوفیان سلسله صفی علی شاهی در بیستم ماه شعبان سال ۱۳۲۳ قمری در تهران به چاپ رسید و تا ذی قعدة سال ۱۳۲۴ قمری، هیجده شماره از آن انتشار یافت. میرزا ابراهیم خان که مدیریت کار را پس از وکالت مجلس شورای ملی از سوی مردم اصفهان به میرزا علی اکبر خان شیدا<sup>۷۳</sup> واگذارده بود، ناشر جریده حاضر، به عنوان نخستین مطبوعه دینی - صوفیانه به شمار می رود.

شگفت آن که این جریده مذهبی، خود را غیردینی و غیرمذهبی می دانست، و شعار خود را چنین قرار داده بود: «این جزوه که بالمآل کتاب خواهد شد، به نام مجموعه اخلاق است؛ از پلتیک و سیاسی

## دعوة الاسلام، هم به خاطر محتوای مذهبی خویش، و هم به جهت گرایش به آزادی خواهی و مشروطه طلبی به زودی مورد تأیید مجتهدان عالی مقام مقیم عتبات واقع شد، و از کمک‌های مالی ثروتمندان معتقد، برخوردار گردید

امین‌السلطان<sup>۸۷</sup> و دعوت به احترام به شاهنشاه و مقام او و دعوت برای دعای به او ختم می‌شد: «قرض گرفتن ایران از دولتمین انگلیس و روس را مجلس شورای عمومی ایران امضا نکرد، و مجلس از خود داخله قرض گرفته، و به دولت می‌دهد، و بنک داخلی هم احداث می‌کند...»<sup>۸۸</sup>

### انجمن دعوت اسلامی

گویند که میرزا محمد امین التجار به تأسیس شعبه‌ای از این اداره در بندر بمبئی مایل شده بود، و پس از آن که داعی الاسلام از سفر حج به هندوستان وارد شد، این مسئولیت را بر عهده گرفت، و مشغول آموختن زبان اردو و رسیدگی به امور این انجمن شد. انجمن، هر هفته سه روز تشکیل می‌یافت، یک روز برای مباحثه با ملل مختلف و شکاکان و معترضان، روز دیگر بیان فضایل اسلام برای مسلمانان و روز یکشنبه، هیأت امنای انجمن برای بررسی امور جاری و مالی گرد هم می‌آمدند. داعی الاسلام مباحثات انجام یافته را جرح و تعدیل کرده و در نشریه به چاپ می‌رساند.

### امور مالی

دعوة الاسلام، هم به خاطر محتوای مذهبی خویش، و هم به جهت گرایش به آزادی خواهی و مشروطه طلبی به زودی مورد تأیید مجتهدان عالی مقام مقیم عتبات واقع شد، و از کمک‌های مالی ثروتمندان معتقد، برخوردار گردید.

آیت الله صدر و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، حکمی بر تشویق دعوة الاسلام دادند، و سلیمان خان رکن الملک شیرازی که نقش او را پیش تر درباره تأسیس الاسلام دانستیم از اصفهان برای نشریه، مقداری پول فرستاد. اعانه‌ها به نام محمد امین التجار بود، و داعی الاسلام با وجود آن که دخالتی در دخل و خرج نداشت، ولی از تحریض و تشویق مسلمانان برای کمک‌های مالی به نشریه خویش، کوتاهی نمی‌کرد، و دخل و خرج اداره دعوت اسلامی را نیز در مجله، درج می‌کرد، و یا گاه می‌نگاشت که هر گاه در فرستادن اعانه، کوتاهی کنند، نزد صاحب الاسلام شریف، معذور نیستند،

سید محمد علی داعی الاسلام مدیر سابق انجمن صفاخانه اصفهان و ناشر سابق نخستین نشریه دینی در ایران یا همان الاسلام است.<sup>۸۲</sup>

شماره نخست نشریه، در حقیقت به دو زبان انتشار یافته<sup>۸۳</sup> چنانچه ستون سمت راست هر صفحه به زبان فارسی، و ستون سمت چپ به زبان اردو بود؛ ولی هر دو ستون، شامل مطالب یکسانی می‌شد. از شماره دوم بود که این هفته نامه دارای دو چاپ هم زمان به زبان‌های اردو و فارسی شده، و در واقع، با دریافت اعتبارهای گوناگون، انتشار جداگانه آن به این دو زبان، فراهم آمد، و پس از چندی، تصمیم به چاپ نشریه‌ای به زبان انگلیسی نیز گرفته شد، ولی هیچ گاه به مرحله اجرا در نیامد، و انتشار نشریه به زبان اردو هم یک سالی بیشتر ادامه نیافت.

دست اندر کاران آن نشریه، گویی دریافتی بودند که مجله به زبان اردو، مخاطب چندانی ندارد؛ چرا که مصرف جریده دعوت الاسلام منحصر به هندوستان است، و از سویی، خریداران شماره اردوی مجله، همگی، به جز چند نفر معدود، فارسی می‌دادند.<sup>۸۴</sup> از طرفی گردانندگان مجله، همگان بیشتر بر زبان فارسی تسلط داشته، و هر چند که در زبان اردو نیز آگاهی‌های فراوان داشتند؛ ولی به طور مسلم توانایی‌های آنان در نثر و نگارش به فارسی، بسی افزون تر از اردو بود.

### مندرجات

دعوة الاسلام، بیشتر به درج خبرهایی از جهان اسلام علاقه نشان می‌داد که در آن‌ها گرایش نامسلمانان به اسلام بیان شده باشد، و با وجود آن که خود را «اسلام نامه» می‌خواند، و به مناظره و مناقشه قلمی با مسیحیان، بهاییان و هندوان می‌پرداخت، و اخبار مسلمانان هند را به چاپ می‌سپرد<sup>۸۵</sup>، به بیان مسائل مذهبی اکتفا نداشت، و در مسیر اصلاح طلبی گام زده، و خود را در شمار مشروطه خواهان، و در طلب آزادی و استقلال جای کرد.<sup>۸۶</sup>

این گونه مطالب، گاه سمت و سویی سیاسی نیز می‌یافت، و از جمله به نتیجه‌گیری‌هایی علیه میرزا علی اصغر خان

## همگی روزنامه‌های دوره مشروطیت، تمجیدهای فراوان و روشنی از مذهب به چشم می‌آید، و دست‌اندرکاران، نگارندگان و گردانندگان جراید خود در شمار طلاب و روحانیون بوده‌اند

### موجودی‌ها

دوره‌هایی از این جریده، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی،<sup>۹۷</sup> کتابخانه علامه طباطبایی شیراز، کتابخانه ملی سن پترزبورگ، کتابخانه شخصی نگارنده کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان<sup>۹۸</sup> و کتابخانه دانشگاه کمبریج موجود است.

### شرح حال داعی الاسلام

سید محمدعلی نیاکی لاریجانی، ملقب به داعی الاسلام و متخلص به داعی، در سال ۱۲۹۵ قمری در آمل چشم به جهان گشود. پدرش سید حسن از سادات حسنی مازندران بود، و نسب به داعی صغیر، والی مازندران می‌برد.

داعی الاسلام در سن پنج سالگی به مکتب رفت، و مقدمات را در مسجد جامع شهر فرا گرفت. پس از آن، رهسپار تهران شد و به مدرسه قاجار درآمد، و پس از مدتی در مدرسه سپهسالار اقامت گزید، و علاوه بر علوم رسمی و حوزوی، به آموختن حساب و هیأت و هندسه و جغرافی پرداخت، و به سرودن اشعار و شرکت در انجمن‌های ادبی روی آورد.<sup>۹۹</sup> آن‌گاه به اصفهان آمد، و حجره‌ای در جوار حجره آخوند ملا محمد کاشی، عالم و عارف شهیر اصفهان گرفت، و در درس خارج فقه و اصول محمدتقی نجفی، مشهور به آقاجنقی اصفهانی شرکت جست، و در همین هنگام از آموزش زبان‌های خارجی، از جمله زبان انگلیسی غفلت نورزید.

سفرهای او به مصر و حجاز به اقامت در بمبئی انجامید، و وی به تدریس ادبیات فارسی در دانشکده حیدرآباد پرداخته، و زبان‌های پهلوی و اوستایی را آموخت، و با زبان‌های بهاشا، سانسکریت و گجراتی نیز آشنا شد.<sup>۱۰۰</sup> در زمان جنگ جهانی، در سال ۱۳۲۲ قمری به تهران مراجعت کرد، ولی باز هم به هندوستان دعوت شد، و همان‌جا بود که در ۱۳۳۰ بان ۱۳۳۰ خورشیدی در حیدرآباد دکن به دیار باقی شتافت.<sup>۱۰۱</sup>

از آثار او، انتشار دوره‌های الاسلام و دعوة الاسلام که هر یک در حکم مقدمه‌ای برای چاپ جرایدی از این دست؛ از جمله الاسلام به زبان عربی به مدیریت عبدالعلی لاریجانی، و الاسلام چاپ شیراز

تاکنون هزار و دویست رویه از چند نفر از مسلمانان بمبئی اعانه رسیده، در شماره دوم، درج می‌شود.<sup>۸۹</sup>

ارسال همین اعانه‌ها بود که باعث می‌آمد با آن که بسیاری از مشترکان سال اول دعوة الاسلام، پولی پیش‌تر بردین عزیز، مقدم داشته، از ادای قلیل قیمت سالیانه، ابا و انکار نمودند، باز هم دعوة الاسلام برای اشتراک سالانه خود، و انتشار شانزده صفحه نشریه در هر دو هفته تنها پانزده قران مطالبه کند، و خود را در شمار ارزان‌ترین نشریات این دوره تاریخی، وارد سازد.

دیگر موفقیت مالی و کسب حد نصاب مشترک و مخاطب را باید مروهون فعالیت‌های پیشین داعی الاسلام و انتشار مجله الاسلام بدانیم؛ او از همان هنگام که خطاریه خویش را مبنی بر توقف چاپ الاسلام و آغاز انتشار دعوة الاسلام به آگاهی رسانید،<sup>۹۰</sup> باز هم از شیوه پیشین دست نکشید، و حتی اندکی از قالب‌هایی نیز پیروی کرد؛ از جمله در خطبه مقدمه مجله، به آیه شریفه «ان الدین عندالله الاسلام»<sup>۹۱</sup> اشاره می‌برد که همان سرلوحه سابق الاسلام بود. این همه باعث آمد تا مخاطبان گذشته از دست نروند، و ثبات مالی نشریه، از همان آغاز آشکار گردد.

### چاپ و پخش

نمایندگی فروش و پخش دعوة الاسلام در ایران، با روزنامه مجلس بود<sup>۹۲</sup> و با وجود آن که در شمار پرتیراژترین نشریات برون مرزی به شمار می‌آمد؛ چاپخانه‌ای ویژه خود نداشت. دست‌اندرکاران نشریه به اهمیت این موضوع، البته واقف بوده‌اند؛ چنانچه درباره یکی از راه‌های خودکفایی، دارا بودن چاپخانه را برشمرد، می‌نویسند: به وقت نرسیدن جریده، از نداشتن مطبعه است، و اگر هزار مطبعه هم در بمبئی باشد، باز، جریده مطبعه از خودش می‌خواهد.<sup>۹۳</sup>

دعوة الاسلام ابتدا به صورت چاپ سنگی<sup>۹۴</sup> در چاپخانه مظفری<sup>۹۵</sup> منتشر می‌شد، و دلیل آن رابی علاقه بودن اهالی هند به چاپ حروفی، برخلاف ایرانیان می‌دانستند؛<sup>۹۶</sup> اما سرانجام شماره پانزدهم با چاپ حروفی، و در مطبعه مصفايي انتشار یافت.



از مطالب ایشان نیز جز با دستاویزهای دینی، ناممکن است. با سبیری کوتاه در روزنامه‌های این دوره، انتقادهای تند علی‌ه چنین جرایدی را می‌یابیم که دارندگان آن جریده، تنها با یاد آورشدن آن که ما، خود نیز از زمره طلاب و درس خواندگان حوزه‌های علمی و مذهبی بوده‌ایم، از بار انتقاد و حتی پاسخ‌گویی مبسوط بدان زهیده‌اند.

مجلس شورای ملی، برخاسته و برگرفته از متون مذهبی و قرآن مجید قلم داد می‌شود، و نام شمار چشم‌گیری از مجلات در ارتباط با متون اسلامی است، و تندترین روزنامه‌های این دوره، اعم از حبل‌المتین و صوراسرافیل، توسط دانش‌آموختگان حوزوی اداره می‌شود، و نام آن‌ها، برگرفته از قرآن مجید است. در سرلوحه مجلات، به احادیث شریف، اسمای حسناى الهی و شعرهای مذهبی شیعه به زبان عربی، و دعا برای حفظ و پابندگی اسلام اشاره می‌شود. دایره بحث و چاپ مقالات در مطبوعات، به صورت آزاد ذکر می‌شود، ولی بر چاپ نشدن مطالبی که علیه دین و مذهب و شرع مقدس خواهد بود، تأکید می‌گردد؛ و پس از مدتی انجمن علمی به صورت رسمی از روزنامه‌نگاران می‌خواهد که حرف‌های مخالف مذهب و خلاف شرع نبوی و احکام شرعی و فروع دینی را به چاپ نسیارند، و راجع به حضرت علما و طلاب علوم دینی، به هر شکل، توهین و بی‌احترامی رواندارند که در این صورت مورد مؤاخذه قرار گرفته، و توقیف خواهند شد.

به مدیریت محسن فقیه شیرازی گردید، و فرهنگ جامع زبان فارسی در پنج جلد، چاپ حیدرآباد است. ۱۰۲ چهار فرزند او با نام‌های خانوادگی ایران پرست و سروش، از جمله گردانندگان کتاب فروشی دانش تهران بوده‌اند. ۱۰۳

#### ۸. اخوت

با برآمدن آفتاب مشروطیت در ایران، روزنامه‌ها و جراید ایرانی داخل و خارج از کشور، وارد مرحله جدیدی به دور از خود سانسوری‌های پیشین، و سبک‌کهنه گذشته شدند. مطبوعات دینی نیز به ویژه از آن جهت که خود را به امام زمانی وابسته می‌دانستند که جانب ملت را دارد، و از شاه و استبداد، بیزار است و هم از آن روی که طرفداران سلطنت، آزادی خواهان را زندیق و طبیعی و در مجموع کافری بیش نمی‌پنداشتند و جراید منتشره از سوی آنان را وسائلی علیه آیین مقدس اسلام می‌خواندند، با تحولات بسیاری روبه‌رو گشت.

نکته قابل توجه در این بررسی، آن است که در همگی روزنامه‌های دوره مشروطیت، تمجیدهای فراوان و روشنی از مذهب به چشم می‌آید، و دست‌اندرکاران، نگارندگان و گردانندگان جراید خود در شمار طلاب و روحانیون بوده‌اند.

پیدا است که چنین نویسندگانی با آموزش‌های مذهبی خود، تنها از برهان‌های مذهبی سود می‌جویند، و خرده‌گیری آنان، و انتقاد

و در سرلوحه، جملات عربی و ذوالفقار، اسامی معصومان و یک بیت شعر به زبان فارسی قرار داده بود. این جریده که به خط نسخ و نستعلیق و و به صورت چاپ سنگی در چهار برگ منتشر می شد<sup>۱۱۰</sup> در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران<sup>۱۱۱</sup> و کتابخانه شخصی نگارنده موجود است، و از چاپ آن، پس از شماره چهاردهم، اطلاعی به دست نیاورده ایم. مقاله های نامه حقیقت، عموماً برگزیده از کتاب های کلامی و صوفیانه و از جمله رسائل اخوان الصفا است و با آن که ده کردی دارای طبع بلندی در شعر فارسی بوده، از اشعار او در جریده اش کم تر چیزی می یابیم، و یا درباره شخص وی و یا باورداشت های ویژه او در امر مذهب و تصوف، اندک مطلبی می خوانیم.

از سید احمد ده کردی دیوان اشعاری به چاپ رسیده، و در مقدمه آن شرح حال مختصری از وی آمده و القاب بسیاری برای او نقل شده است. مزار او در درب کوشک اصفهان واقع شده، و برای آگاهی از احوالات او و خاندان منسوبانش می توانید به مقاله «آفتاب علم» از نگارنده همین سطور مراجعه فرمایید.<sup>۱۱۲</sup>

#### ۱۰. عروۃ الوثقی

هفته نامه عروۃ الوثقی به مدیریت جواد بن محمد صادق تهرانی و نگارندگی علی بن محمد جعفر تهرانی در سال ۱۳۲۵ قمری در شهر تهران آغاز به کار کرد. تاریخ دقیق انتشار نخستین شماره آن، به سبب مفقود بودن نسخه های شماره نخستین، هنوز در هاله ای از ابهام است ولی شماره دوم در ۲۶ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و از آن پس، از نشر سه شماره دیگر از عروۃ الوثقی آگاهی داریم.<sup>۱۱۳</sup>

این جریده با شعارهای مذهبی و درج شیوه نامه موضوعی در سرلوحه خود، به ترویج احکام الهی و قوانین شرع مقدس نبوی و فرمایشات حضرات ائمه معصومین، تأکید می ورزید، و ظاهراً دست اندرکاران آن، از دانش آموزان حوزه های علمیه بوده اند؛ اما به هر حال، قضاوت نهایی درباره آن، در گرو دست یابی بر شمار قطعی تک شماره ها، و بررسی مجموع مندرجات هر یک از شماره های این هفته نامه خواهد بود.

شماره هایی پراکنده از عروۃ الوثقی در کتابخانه علامه طباطبایی شیراز و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است، و همگی مصادر مربوط به تاریخ مطبوعات ایران، یا درباره آن سکوت کرده و یا مطالب بسیار کوتاه و کم فایده ای پیرامون این نشریه دینی آورده اند.<sup>۱۱۴</sup>

این هفته نامه را نباید با روزنامه عروۃ الوثقی چاپ اصفهان و به

جای جای مقالات جراید، مشحون از آیات قرآن حکیم و احادیث شریف به عنوان شاهد مثال برای آزادی خواهی و تطابق مشروطیت با شریعت حضرت ختمی مرتبت است. مشروطه، نتیجه هم بستگی پیشوایان دینی و هم وطنان دانسته می شود.

با این حال، در همین دوره نیز اندک اندک رویارویی های اندیشه گران و روشن اندیشان با جامعه مذهبی موجود، سر می گیرد، و به صورت تذکری برای برپایی مدارس به سبک جدید و نشر معارف به جای روضه خوانی و انجام مراسم آیینی روی می نماید. اخوت از نشریات این دوره به شمار می آید.

شماره نخستین جریده اخوت در دوم ذی حجه سال ۱۳۲۴ هجری قمری در شهر تبریز منتشر شده است.<sup>۱۰۴</sup> میرزا احمد بصیرت، مدیر مدرسه بصیرت گویا از جمله مشروطه ستیزان اهل تبریز است<sup>۱۰۵</sup> که پس از اعلام مشروطیت، اقدام به چاپ جریده اخوت می کند. اخوت، نام گردانندگان مجله را در خود درج نکرده، و تنها بر انتشار سه شماره در هر هفته تکیه دارد. با این حال، تاکنون کسی بر شماره های آن دست نیافته و تنها شماره ای از آن را در انستیتوی ایران شناسی دانشگاه پاریس شناسانده اند. در این شماره، فتوای مجتهدان ساکن نجف اشرف و مجتهدان برجسته تبریز پیرامون آموزشگاه های خارجی در ایران و منع نزول خواری و تعدد اصناف گوناگون تبریز نسبت به رعایت کردن آن فتواها به همراه دست خط مجتهدان و دو آگهی، درج شده است.

درباره اخوت که با چاپ سنگی منتشر می شده است، گزارش قابل توجه دیگری در دست نداریم؛ علاوه بر آن که توصیف هر یک از منابع، درباره آن به گونه ای متفاوت است، و به هر حال بر ارتجاعی بودنش تأکید بسیار شده است.<sup>۱۰۶</sup>

میرزا احمد بصیرت، علاوه بر اخوت دست به انتشار دوروزنامه اتحاد و اسلامیه نیز زده است، و جالب توجه آن که جراید منتشره از سوی او، همگی در زمان خود دارای نام های همسان با دیگر مطبوعات محلی، مرکزی و یا برون مرزی بوده اند.<sup>۱۰۷</sup>

#### ۹. نامه حقیقت

هفته نامه حقیقت در بیست و دوم محرم الحرام سال ۱۳۲۵ قمری در شهر اصفهان آغاز به انتشار کرد، و تا جمادی الثانی ۱۳۲۵ ق. چهارده شماره از آن به چاپ رسید. این نشریه که ناشر آن سید احمد نوربخش ده کردی<sup>۱۰۸</sup> از اقطاب صوفیه اصفهان بود را گروهی زیر عنوان «حقیقت» یاد کرده اند.<sup>۱۰۹</sup>

نامه حقیقت، تخفیف خود را ویژه مدارس علمیه اعلام نموده،

## تدین، خود را به حوزه ترقی اسلام وابسته می‌دانست، و با انگیزه دعوت نامسلمانان به دین اسلام، خود را ملزم به چاپ اخبار مذهبی و تحلیل‌هایی با زمینه دینی می‌پنداشت

بر خوررداری داشت که حتی «جناب مشهدی اسدآقای احمدزاده، وکیل محترم سلماس، بدون مطالبه، وجه آبونه را ارسال» داشت.<sup>۱۱۹</sup>

در سرلوحه هفته‌نامه با بسمله، و در زیر آن «هوالدیان» آغاز شده و در ذیل این دو جمله، کلمه «تدین» به خط نستعلیق درشت و اعداد سیزده و بیست و پنج با فاصله زیادی به عنوان سال تأسیس مجله درج می‌شد. تعداد صفحات آن در طول سه سال انتشار در چهار صفحه ثابت بود، و قطع دوازده سانتی متری آن تغییری نداشت.

### محتوا

نخست باید در نظر داشت که فخرالاسلام به سبب آشنایی با زبان‌های گوناگون، گاه مطالب دست اول و بسیار قابل توجهی را از کتاب‌های بیگانگان نقل می‌کند که در حقیقت، در میان درج اخبار سیاسی و اجتماعی موجود در هفته‌نامه، از ارزش خاصی بهره‌مند است: «در یکی از کتاب‌های دانشمندان اروپا (ریانة الشریفة) به نظر نگارنده رسید... که هر کسی نزاکت و طهارت و نظافت و حفظ الصحة می‌خواهد، باید مواظبت کند به آداب اغسال مندوبه و مفروضه، طهارت و نجاسات و سایر آداب که در دین پاک اسلام، مقرر شده است. کافر، این طور می‌گوید، و این مسلمان، این طور...»<sup>۱۲۰</sup>

این مطلب در پاسخ به نظر شخصی است که از کتاب اساس‌الدین و الایمان نگاشته عبدالرحمان افندی به سبب تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی و دوری از ذکر احکام طهارت، جانبداری کرده، و مجمع‌المسائل میرزا محمدحسن شیرازی و علامه مجلسی را به نقد کشیده است.

دیگر از مندرجات خواندنی تدین، استدلال‌ها و راه‌حل‌هایی است که در برابر روحانیون طرفدار استبداد، ارائه می‌دهد به عنوان نمونه می‌گوید: «از آن آخوندی که در زنجان، علیه مشروطه و آزادی خواهان، فعالیت کرده، و ادعای اجتهاد می‌کند، پرسید که اگر الله، متکلم است، آیا متکلم من قام به الکلام است، یا «من او جد الکلام» اگر بگوید: متکلم من «قام به الکلام» است، لازم آید، درختی که به

مدیریت جلال‌الدین حسینی کرمانی که بیشتر به موضوع سیاست پرداخته است، اشتباه کرد.<sup>۱۱۵</sup>

### ۱۱. تدین

هفته‌نامه تدین در سال ۱۳۲۵ قمری در شهر تهران آغاز به انتشار کرد، و پس از چاپ شماره چهل و هفتم<sup>۱۱۶</sup> در ششم جمادی الثانی ۱۳۲۸ قمری از انتشارش آگاه نیستیم. ملا صادق فخرالاسلام کلدانی یا آسوری که نام او در برخی منابع، میرزا حسین قلی هم آمده، از نو مسلمانانی بود که با هم‌کیشان سابق خود به مناظره مذهبی می‌پرداخت، و هفته‌ای دوروز زبان تورات و انجیل درس می‌گفت، و قانون مناظره دینی تعلیم می‌داد.<sup>۱۱۷</sup>

تدین، خود را به حوزه ترقی اسلام وابسته می‌دانست، و با انگیزه دعوت نامسلمانان به دین اسلام، خود را ملزم به چاپ اخبار مذهبی و تحلیل‌هایی با زمینه دینی می‌پنداشت تا خدمات حوزه ترقی اسلام که از سوی سید محمد مجتهد طباطبایی تأسیس یافته بود، انتشار یابد. این جریده، با اعتنای فراوان به درج رویدادهای شهر ارومیه، مشروطه و عزل محمدعلی شاه را نیز با نگاهی دینی می‌نگریست، و چنین می‌نگاشت: «شاه! زمام عقل سلطان یک مملکتی را به کف بی‌کفایت یک نفر قزاق روسی گذاردن، شرط عقل نیست!... هیچ حاکم نمی‌تواند بگوید: حکومت من، آسمانی است. هیچ صاحب نفوذ، حق ندارد مدعی بشود، نفوذ من مدامی است.»<sup>۱۱۸</sup>

تدین که «جواب اعتراضات منکران اسلام را مطلقاً، خصوصاً مسیحیین را از فرایض ذمه خود» می‌شمرد، و «سوالات دینی را از هر کس، اسماً و رسماً، درج نموده، جواب» می‌گفت، و برای مناظره حضوری با هر ملتی اعلام آمادگی می‌کرد، به صورت حرفی در مطبوعه شرقی که یک سال پیش از آن تأسیس یافته، و از چاپخانه‌های بسیار فعال و نمونه آن زمان به شمار می‌آمد، به چاپ می‌رسید.

اشتراک تدین، با وجود بهره‌گیری از یک چاپخانه معتبر، در حد متوسط، و در تهران دوازده قرآن بود و آن چنان از استقبال عمومی،



## در برابر بهاییان، بهترین دلیل جهالتشان را همین می‌داند که با وجود تناقض و تضاد در میان مذاهب و ادیان، همه را حق می‌شمارند، فرقی فی مابین خداپرستی و بت پرستی نمی‌گذارند، و نور و ظلمت را متحد می‌شمارند

روزنامه نیر اعظم و صور اسرافیل را یکی دانسته بود<sup>۱۲۸</sup> تفاوت میان راه این دو، آشکار گردید.

«به هیچ واسطه، روس‌ها طمع در بلوچستان و افغانستان نمی‌داشتند؛ ولی اکنون که انگلستان در خیانت حقوق آن‌ها سبقت کرد، اول زمانی که ایران در خود توانایی پیدا کرد، به این ممالک مغضوبه مستملکه انگلستان خواهد تاخت»<sup>۱۲۹</sup> و از سید جمال‌الدین اسدآبادی با عنوان «فیلسوف اعظم» نام برده و می‌نویسد: «حتی این که سلطان عثمانی هم حاضر شده بود که اگر عقد اتحاد بین شیعی و سنی صورت بندد، تمام مشاهد متبرکه، مثل عتبات عرش درجات، و کاظمین، بلکه تمام عراق عرب را مالکانه به تصرف امپراتوری ایران دهد».<sup>۱۳۰</sup>

این گونه پیش‌بینی‌ها و خوش‌بینی‌ها به ویژه با وجود بافت قدیمی وزارت معارف، پدیدآورنده مشکلات چندانی نبود؛ ولی همین که وزیر معارف، تعویض شد و مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله برکسی وزارت نشست، روزنامه روح‌القدس را توقیف کرده و هنوز هیاهوی آن باقی بود که سرمقاله نیر اعظم پیرامون پیمان روسیه و انگلستان در سال ۱۹۰۷ میلادی، موجب تعطیلی خود را فراهم آورد. این سرمقاله که به نقل مطالبی درباره پیمان مذکور، برگرفته از یکی از جراید خارجی است، شاه ایران را بی‌پروا هوادار منافع روس و انگلیس، و ایران را آماده کینه‌جویی از انگلستان در افغانستان و هندوستان معرفی می‌کند.<sup>۱۳۱</sup>

وزیر معارف، سه روز پس از چاپ و انتشار نیر اعظم در هفتم شوال ۱۳۲۵ قمری به مخبرالدوله فرمان داد تا صاحب امتیاز و مدیر نشریه را به دیوان‌خانه عدلیه جلب کرده، و نیر اعظم از آن پس، توقیف باشد، و از محل چاپ جریده که همان مطبعه شرقی بود، درخواست کرد تا از چاپ شماره‌های دیگر آن خودداری ورزد<sup>۱۳۲</sup> و شماره‌هایی نیز که در پست‌خانه مانده، معدوم شود، در غیر این صورت، حکم توقیف دائمی نیر اعظم صادر خواهد شد.

محمدعلی بهجت صاحب کتابخانه معارف، نسخه‌های شماره پنجم نیر اعظم را که خود در جریده منتشره خویش، انتشار شماره نخست آن را تبریک گفته بود، جمع‌آوری کرده، و تسلیم وزارت علوم

موسی گفت: انی انالله، خدا باشد و اگر...»<sup>۱۲۱</sup>

در برابر بهاییان، بهترین دلیل جهالتشان را همین می‌داند که با وجود تناقض و تضاد در میان مذاهب و ادیان، همه را حق می‌شمارند، فرقی فی مابین خداپرستی و بت پرستی نمی‌گذارند، و نور و ظلمت را متحد می‌شمارند.<sup>۱۲۲</sup>

گفتنی است که فخرالاسلام کتاب‌های بیان‌الحق در ده جلد، خلاصه الکلام فی افتخار الاسلام، و انیس الاعلام فی نصره الاسلام در دو جلد در موضوع حقانیت دین اسلام، و رد ادیان دیگر و مسیحیت تألیف کرده<sup>۱۲۳</sup> و خواندن این کتاب‌ها مسلماً برای شناخت اندیشه‌های وی لازم است.

### موجودی‌ها

شماره‌های پراکنده‌ای از تدین در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان<sup>۱۲۴</sup> کتابخانه شخصی نگارنده، کتابخانه علامه طباطبایی شیراز، کتابخانه ملی پاریس<sup>۱۲۵</sup>، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران<sup>۱۲۶</sup> کتابخانه انستیتوی ایران‌شناسی پاریس و کتابخانه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

### ۱۲. نیر اعظم

عبدالوهاب معین‌العلمای اصفهانی در دوازدهم ماه رمضان سال ۱۳۲۵ قمری نخستین شماره جریده نیر اعظم را با مرام سیاسی، تاریخی، علمی و اخلاقی در شهر تهران منتشر ساخت، و از همان ابتدا با تأکید بیشتر بر چاپ اخبار و یاشکایات ارسالی به دفتر روزنامه، و هم درج مسائل دینی و مذهبی، در حقیقت از مرام‌نامه خویش سرپیچید، و جریده خود را در شمار مطبوعات دینی داخلی ساخت: «سال‌ها است نایب‌التولیه عرب در مشهد، و امور آستانه مقدسه به استبداد کامل عربی نفوذ پیدا کرده، سالی مبلغی خطیر موقوفات آستانه را به این سمت، تصرف مالکانه می‌نماید، و تاکنون معلوم نشده این منصب و ریاست، به واسطه کدام مقدمه، نصیب ایشان شد»؛<sup>۱۲۷</sup> و در ادامه این طریق، کار جریده به مشاجره قلمی با صور اسرافیل کشید، و با آن که پیش‌تر ندای وطن، مسلک هر دو



جناس داشت و درج شعر:

گر دلیلت باید از وی رخ متاب

آفتاب آمد دلیل آفتاب

#### مودجودی‌ها

شماره‌هایی از این نشریه در کتابخانه‌های مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، آیت‌الله مرعشی، آستان قدس رضوی، دانشگاه کمبریج<sup>۱۳۴</sup> مجلس شورای اسلامی، ملی پاریس، ابن مسکویه اصفهان<sup>۱۳۵</sup> و کتابخانه شخصی نگارنده<sup>۱۳۶</sup> موجود است.

#### صراط المستقیم

از نشریه صراط المستقیم که با قصد انتشار به صورت هفته‌نامه تأسیس شد؛ آگاهی چندانی در دست نداریم، و ادوارد براون هم می‌نویسد که نسخه‌ای از این جریده را ندیده است.<sup>۱۳۷</sup> صراط المستقیم شاید به آن دلیل در منابع موجود تاریخی و مطبوعاتی، ناشناخته و مسکوت مانده باشد که تنها یک شماره از آن در دوم ماه جمادی‌الاول سال ۱۳۲۵ قمری، مطابق با ۱۲۸۶ خورشیدی منتشر شده است.

نام این جریده چاپ شده در تهران، شاید برگرفته از صراط المستقیم چاپ ۱۳۲۴ قمری در تبریز باشد که درباره آن نیز اطلاع چندانی نیافته‌ایم.<sup>۱۳۸</sup> به هر روی، شمس‌الواعظین کاشانی، نگارنده صراط المستقیم چاپ تهران با ناشر جریده غیب‌نما یعنی سید عبدالرحیم کاشانی شاید به دلیل هم ولایتی بودن، روابطی

کرد. مطبعه شرقی با سابقه درخشانی که از زمان تأسیس در سال ۱۳۲۴ قمری داشت، از آن جهت که شیخ الممالک کرمانی ریاست آن را بر دوش می‌کشید، حکم وزیر را چندان واقعی نهاد، و مناقشه سختی میان مأموران توقیف و مدیران سید اعتماد العلماء رخ داد. از سویی هم فکran معین‌العلماء بسی سریع‌تر، به واسطه حضور در مدرسه دارالفنون از حکم وزیر آگاه شده، و وی را با خبر ساخته بودند؛ چنانچه مأموران دولت در جای‌جای اعیان‌نیر اعظم و کتابخانه معینه که حجره شخصی معین‌العلماء بود، چیزی نیافتند<sup>۱۳۳</sup> و آنچه در پست خانه بود نیز به اطراف رفت، و هم‌اکنون نسخه‌هایی از شماره پنجم در کتابخانه‌های خارج کشور موجود است.

و اما مدیر نیراعظم به یک سال زندان محکوم شد، ولی بخشودنش، و مدتی بعد به عتبات عالیات عراق، تبعید شد. او فرزند سید مهدی نحوی بود که در سال ۱۲۹۴ ق. چشم به جهان گشوده، در سال ۱۳۲۰ قمری به تهران رفته، و چندی به سبب تشویق علمای اصفهان به امر مشروطیت، متواری و تحت پیگرد دولت بود. پس از آن، ریاست عدلیه شمال را یافت، و بعد از مدتی به ریاست عدلیه فارس منصوب شد، و در سال ۱۳۵۸ قمری به اصفهان منتقل گشته، و در روز پنجم رمضان ۱۳۵۸ قمری مطابق با بیست و هفتم مهرماه ۱۳۱۸ خورشیدی در شهر اصفهان به دیار باقی شتافت، و در تکیه خاتون آبادی، واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک رفت.

انتشار نیر اعظم به دست چنین مردی صورت گرفت با سرلوحه‌ای به خط نستعلیق و با کلام «هوالمعین» که با لقب خود

قاسم اف در شماره نخست، سبب انتشار و علت پایه‌گذاری چنین نشریه‌ای را این گونه می‌آورد: «بسم ربنا العظیم الخبیر... متجاوز از سی سال است که خاک آخال و ترکستان، همواره محل مهاجرت و مسافرت اهل ایران واقع گردیده، و هر ساله، جمع کثیر از هر شهر و دیار به عنوان کسب و تجارت و تحصیل رزق و معیشت و علم و صنعت، یا به دواعی ضرورت، بدین جهات رو آورده، و اقامت گزیده‌اند، تا امروزه که جمعیت اهل ایران در تمام این حدود به هزارها می‌رسد که در حقیقت، این مملکت به جهت ایشان، حکم وطن پیدا کرده است... لکن در این مدت متمادی، به واسطه فشارهایی که از حکومت استبداد بر ایشان و بر همه اهالی این مملکت وارد بود، موفق بر این که قدمی در سبیل ترقیات معنوی بردارند... هر کس به قدر مقدور، نسبت به قوم و ملت خود، خدمتی اظهار کرد، و هر نفس فراخور استطاعت خویش، محض خیر عموم، حرکتی آشکار [نمود]؛ این بنده بی‌بضاعت، چون در این موقع، احتیاج هم وطنان محترم را به ایجاد یک مجله، و یا جریده فارسی که مشوق و سائق افراد ملت... تواند گردید، از همه چیز زیادتر می‌دید... مسلک و پروگرام این مجله آزاد، اساساً دعوت به صلح و سلام و اتحاد... و تهذیب اخلاق... و لزوم توافق مدنیت با دیانت... است. ۱۴۴»

مدیر مجله و نویسنده مقالات که از درج امضای خود در پایین مقاله‌ها خودداری دارد، ظاهراً نسبت به بلشویسم و عقاید لنین، بی‌تمایل نیست، و این البته به سبب قرار گرفتن در حال و هوای آزادی پس از استبداد و روزهای سرد خودکامگی تزارها است. وی در مقاله‌ای با عنوان «حریت» آن چنان سوزناک و دل‌آویز از آزادی و آزادگی سخن به میان می‌آورد که خواننده از آن چه در ایران آن زمان بر او آمده، و فضای جدید پدیدار شده در روسیه، به خوبی آگاه می‌شود.

تعبیر او از آزادی و نقدی که شریعت با به کارگیری کلمه «عبد» بر آن دارد، و تقابل بندگی و آزادگی، بسیار خواندنی است، و شاید به کار جامعه کنونی و اندیشمندانی که هنوز در حل معمای حاضر مانده اند هم بیاید.

این چنین است که او از آزادی پس از انقلاب، اثر پذیرفته، ولی داشته‌ها و دانسته‌های اسلامی و دینی خود را هرگز از کف نداده است. بهره‌گیری از روایات شریفه ائمه معصومین و درج اشعار منسوب به امیر مؤمنان علی (ع) نشان از آگاهی وی بر زبان عربی و دست کم اندکی گرایش‌های حوزوی و اطلاع از متون مقدس اسلامی و مسیحی است.

داشته ۱۳۹ و مکان عرضه صراط المستقیم نیز در حجره سید عبدالرحیم ذکر می‌شود. نسخه‌ای از شماره منتشره در دوم جمادی‌الاول در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران موجود است.

#### ۱۴. شهر آشوب

به جز شهر آشوب منتشره توسط ناظرزاده کرمانی در سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ خورشیدی، اخیراً شهر آشوب دیگری را با موضوع دین و مذهب یافته‌ایم که شماره نخست آن در یکشنبه چهارم جمادی‌الاول ۱۳۲۵ قمری، مطابق با ۱۲۸۶ خورشیدی در شهر تهران منتشر شده است. این جریده مصور که شیوه‌نامه انتشار خود را در دو ماه نخست به صورت هفته‌نامه، و پس از آن، سه شماره در هفته ذکر می‌کند، با کتابت علی اکبر عشقی به خط ثلث و نستعلیق در چهار صفحه با چاپ سنگی به امر دنیا و آخرت، بر حسب اخباری که از آل محمد (ص) رسیده، تأکید داشته ۱۴۰ و صفحاتی را به مطالبی درباره دین باوری و ثمرات آن، و سزای دین ستیزان اختصاص داده است. از وجود این نشریه، جز در مجموعه‌ای خصوصی در شهر تهران آگاه نیستیم. ۱۴۱

#### ۱۵. خورشید خاور

هفته نامه خورشید خاور، در عشق‌آباد ترکمنستان تأسیس شد و نخستین شماره آن در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۲۶ قمری در قطع بزرگ به چاپ رسید و وعده انتشار منظم آن در روزهای یکشنبه و پذیرفتن مقالات به زبان‌های فارسی و ترکی را دارد. این هفته‌نامه با جلدی کاغذی، و در حقیقت به صورت مجله، به مدیریت و نویسندگی سید مهدی قاسم اف، و با قالب و شیوه‌نامه‌ای ثابت تا چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۳۳۶ قمری و انتشار شماره هفتم با چاپ سربی دو ستونه به چاپ رسید.

روی جلد در بالای عنوان نستعلیق نام مجله، آیه شریفه «ذکر لمن کان له قلب او القی السمع و هو شهید»، در پایان عنوان، قیمت مجله، درج شده است. پس از آن، صفحه نخست مجله به عنوان صفحه یک و بدون شمارنده، روی می‌نماید که در آن، به محل اداره، در جنب ۱۴۲ چاپ خانه آلکساندروف ۱۴۳ و قیمت آبیونه اشاره شده و آن گاه سرلوحه هفته‌نامه و شیوه‌نامه آن بدین صورت آمده است. «مجله‌ای است آزاد، هفته‌ای یک بار، روزهای یکشنبه طبع و توزیع می‌شود، از امور ملکیه و اقتصادی و علمیه و اخلاقیه و دینی و ادبیه در آن بحث می‌گردد...».

## الغری دارای دو ویژگی برجسته است: نخست، جانبداری از آزاداندیشی و روشن فکری و حمایت از تحولات در شیوه حکومتی در ایران برای برقراری مشروطه، و دوم، مطالب و گفتارهایی در دفاع از دین مبین اسلام و شریعت محمدی

مشهور به صبحی، وی را از مبلغان می‌داند. ۱۴۹ ولی در اندیشه‌های قاسم اف پس از مجموعه ماورای بحر خزر و به هنگام انتشار خورشید خاور، دلیلی بر بهیبت، موجود نیست. ۱۵۰

### ۱۶. الغری

شماره نخست الغری، به صاحب امتیازی حاج شیخ حسین صفای اصفهانی و مدیریت و نویسندگی آقا محمدحلاتی<sup>۱۵۱</sup> به زبان فارسی در شهر نجف اشرف در ذی حجه سال ۱۳۲۷ هجری قمری<sup>۱۵۲</sup> انتشار یافت. الغری از آن جهت که به دست علاقه‌مندان و اطرافیان آخوند خراسانی راه‌اندازی شد، دارای دو ویژگی برجسته است: نخست، جانبداری از آزاداندیشی و روشن فکری و حمایت از تحولات در شیوه حکومتی در ایران برای برقراری مشروطه، و دوم، مطالب و گفتارهایی در دفاع از دین مبین اسلام و شریعت محمدی.<sup>۱۵۳</sup>

بخشی از مجله، به درج گفتاری زیر عنوان «اللثالی المربوطة فی وجوب المشروطة»، تألیف شیخ اسماعیل بن ملا محمد علی محلاتی، از هم‌فکران مدیر نشریه و آقا میرزاعلی آقاشیرازی، گرداننده چاپخانه مظفری بندر بوشهر، اختصاص یافته است. در این مقال، سلطنت استبدادی و حکومت مشروطه نقد و بررسی شده، و پس از بیان آن که مشروطه، برتر از استبداد است، چنین می‌نگارد: «مشروطیت» تقییدی است در کیفیت استیلای سلطان بر مملکت، و قصر تصرفات او است در امور ملکیه بر هر تصرفی که صلاح اهل مملکت در آن بوده باشد، از روی شورامانی آن‌ها، دخلی به مذهب اهل آن مملکت ندارد، مسلم باشند یا کافر، عادل باشند، یا فاسق» و از سویی حکم علمای دینی در وجوب مشروطیت را از روی آگاهی و عدم غفلت آنان از نتایج برقراری این شیوه، و نفوذ و اجرای احکام، و باعث آبادی مملکت معرفی می‌کند.

گفتنی است که شیخ اسماعیل محلاتی، پدر آقا محمد محلاتی، گفتار حاضر را در همان سال به صورت کتابی جداگانه در بوشهر انتشار داد، و در حقیقت، برای آگاهی از بخش‌های چاپ نشده آن در الغری، باید بدان کتاب مراجعه کرد تا سیر منطقی مباحث و چستی آرمان‌های این نویسنده، همچون آشتی میان تدین و تمدن، و احترام به قانون، و لزوم تدوین آن، روشن گردد. هم چنین

شیوه ورود به بحث آزادی خواهی و کسب منافع و علوم جدید دنیای خارج برای ایرانیان از آن جهت زیبا می‌نماید که وی به گفتار خداوند متعال در قرآن کریم متوسل شده و از آن سود می‌جوید: «بشر نباید مداخله در مجازات و مکافات مؤمن و کافر نماید، و به عنوان مذهب و مسلک، متعرض هم دیگر شوند، و مفاد این آیه مبارکه را فراموش نباید کرد؛ قال الله تبارک و تعالی: «لکم دینکم ولی دین» اما قسم دوم که جسمانی است، کل بشر، شریک و سهیم و محتاج به معاونت یکدیگرند... و در این موقع، سزاوار این است، تعصب دینانتی به کلی کنار گذاشته شود، و نظر از کفر و ایمان و مسلک و عرفان، برداشته گردد؛ عموماً متحد و متفق و یار موافق باشیم، و با یکدیگر اتحاد و الفت و التیام یابیم.»<sup>۱۴۵</sup>

وی هم چنین گاهی مطالبی درباره مسلمانان و اخباری راجع به شرع مقدس اسلام را از جراید چاپ روسیه بیرون کشیده و در مجله درج می‌کند؛ از جمله خبر آزادی مسلمانان روسیه و استقلال آنان در برپایی مراسم مذهبی و آیینی در مساجد، و اعلام تساوی حقوق مدنی آنان به نقل از روزنامه بلشویکی پتروگراد ذکر می‌گردد<sup>۱۴۶</sup> و اندک اندک در شماره‌های گوناگون، به بخش‌های ثابت مجله پی می‌بریم که گاه، مطالب نا کامل از شماره پیشین، پی گرفته شده و یا گاه ادامه موضوع نگاشته می‌شود؛ اما متأسفانه پس از انتشار شماره هفتم، اطلاعی دیگر مبنی بر چاپ و عرضه این مجله نداریم. خورشید خاور زمانی به خاموشی می‌گراید که تعداد اعلانات آن بیشتر شده، دیگران نیز اقدام به ارسال مقاله کرده، مقالات ترکی هم بنا به وعده پیشین مدیر مجله نقل شده، و جوابیه‌ها و اعتراضات خوانندگان به مطالب خورشید خاور در مجله جایی برای خود می‌یابد.<sup>۱۴۷</sup>

### قاسم اف

سید مهدی قاسم اف متولد سال ۱۲۴۲ قمری در شهر گلپایگان، و در گذشته به سال ۱۲۹۶ خورشیدی در عشق‌آباد از نخستین روزنامه‌نگاران پارسی زبان شرق دریای خزر است و سال‌ها پیش از انتشار خورشید خاور، سردبیر بخش فارسی روزنامه مجموعه ماورای بحر خزر به سردبیری فدوروف<sup>۱۴۸</sup> بوده است. فضل الله مهدی،

## دره‌النجف از جمله مطبوعات دینی به زبان فارسی است که در جریان روشن اندیشی ایرانیان، انقلاب مشروطه و حوزه‌های اجتماعی و دینی ایران، تأثیری به‌سزا داشته؛ ولی تاکنون مورد نقد و بررسی درخوری، واقع نشده است

تقدیم داشته، استدعای امضای دره‌النجف را از مقام منبع متصرف نموده، مقرون به اجابت، و ممضی و مقبول افتاد.

از مشترکان عظام، رجاء عفو از تعطیل مجله الغری را داشته، و امیدوار به حول و قوه‌الهی - عز‌اسمه - چنانچه که داعیان را به ادای وظیفه، هر ماه در تصنیف و تألیف و طبع و نشر مجله مبارکه دره‌النجف، بدون هیچ عائق و مانعی، موفق و مسدد بدارد.»

این بود دانسته‌های ما درباره‌ی نخستین نشریه فارسی چاپ نجف که دبیری نیابید؛ ولی در همان صفحات کوتاه به بیان تعامل‌های دین و دانش و پای فشاری بر استقرار مشروطه به عنوان تنها راه چاره‌ای ایرانیان پرداخت. الغری درست هیجده ماهی پس از استقرار مشروطیت در کشور عثمانی و شش ماه بعد از خلع محمدعلی شاه از سلطنت در زمان حکمرانی سلطان محمد پنجم آغاز به کار کرد.

در این زمان، آخوند خراسانی که پیش‌تر به سبب امضای فتوایی در تأیید مشروطه و مجلس شورای ملی مورد خشم آقاسید محمد کاظم یزدی، از مخالفان مشروطه، و طرفداران و اطرافیان او واقع شده بود، مورد رجوع فراوان مردمان ایران قرار گرفته، و در جهت انتشار افکار و آرایش به شاگردان خود اجازه فعالیت در زمینه روزنامه راداد: سیده‌الدین شهرستانی ناشر مجله العلم، محمد محلاتی و صحاف اصفهانی دو همکاری که با یکدیگر هم‌سن و سال بودند، و پیش‌تر الغری را نشر می‌دادند، همگی در شمار شاگردان آخوند بودند، و بعدها سید مسلم زاون‌زاده و شیخ حسین تهرانی با انتشار مجله فارسی نجف نیز به این جمع پیوستند و فرزند آخوند خراسانی در چاپ دره‌النجف، کوشش بسیار کردند.<sup>۱۵۵</sup>

صراحت کم‌نظیر این گروه در تبلیغ برای آشتی میان تدین و تمدن در سنتی‌ترین حوزه تشیع و در قلب حوزه علمیه شهر نجف و با وجود مخالفت‌های آشکاری که با این تلفیق صورت می‌پذیرفت، آن چنان تأثیری بر سیر اندیشه‌های مذهبی در دوره‌های بعدی داشت که بسیاری از اندیشمندان مذهبی ایران ارسال‌ها در پی خود کشید، و خود را در باور یکایک آنان جای داد.<sup>۱۵۶</sup>

### ۱۷. دره‌النجف

شماره نخستین الغری در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری چاپ و توزیع

مطالعه کتاب مشهور گفتار خوش یارقلی، نوشته آقامحمد محلاتی<sup>۱۵۴</sup> نیز در این باره سودمند خواهد بود.

انتشار شماره دوم مجله الغری، دو ماهی به دراز کشید، و آن‌گاه که این شماره در هیجدهم ماه صفر سال ۱۳۲۸ قمری به چاپ رسید، بلافاصله از سوی حکومت عثمانی، توقیف شد؛ زیرا که بدون مجوز مطبوعاتی از سوی دولت، انتشار یافته بود. به هر حال مجله پربزرگ و بار الغری پس از چاپ دو شماره، ابتدا در شصت و چهار صفحه خشتی، و سپس با همان قطع درسی و دو صفحه اشتراک بیست و پنج قران برای ایرانیان که نسبت به نشریات داخلی، رقمی بالا و نسبت به مجلات فارسی چاپ خارج از جمله حبل‌المتین بسیار ارزان بود، تعطیل شد.

این تعطیلی البته موجب نابه‌سامانی دست‌اندرکاران مجله نشده؛ آقا محمد محلاتی و شیخ حسین صحاف اصفهانی با حفظ سمت و با همکاری میرزا مهدی خراسانی، فرزند ارشد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، اقدام به تأسیس ماهنامه‌ای با همان قطع و شیوه با نام دره‌النجف کرده، و شماره نخست این مجله جدید تأسیس را در بیستم ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۲۸ قمری؛ یعنی یک ماه پس از توقیف الغری منتشر ساختند، و این بار از حاکم کربلا اجازه نشر خواسته، و در قالب اختطاری در پشت جلد نخستین شماره چنین نگاشتند:

«اخطار: خاطر مشترکان عظام و قاریین کرام را مسبوق می‌دارد، مجله الغری به واسطه اتهام مخالفت با قانون مطبوعات، پس از طبع و نشر، یک جزء آن از طرف حکومت محلیه در عهده توقیف و تعطیل درآمد، تا آن که در محکمه جزا، براءت ذمه اداره از اتهام ارتکاب خلاف قانون، واضح و مبرهن گردید، و چون در ضمن ایام تعطیل و توقیف از طرف مشترکان و دوستان - کتباً و شفاهاً - از اداره درخواست نمودند که لفظ الغری به واسطه قلت استعمال در محاوره و مخاطبه فارسی‌زبانان در اذهان کثیری از آنان، خالی از غرابت نیست، و اگر تبدیل به اسمی شود که با ذهن عموم، مأنوس باشد، اولی و اصوب خواهد بود؛ لذا بر حسب صلاح‌دید جمعی از اعلام - دامت برکاتهم - مجله الغری را که به دره‌النجف موسوم نموده، مجدداً بیان نامه به حضور متصرف پاشا حکمران کربلای معلی

شد، و پس از انتشار هشت شماره به خاموشی گرایید. درة النجف با سرلوحه‌ای به خط ثلث و چاپ سربی متن که در چاپخانه‌های علوی و جبل‌المتین صورت می‌پذیرفت، و با تعداد صفحات فراوان<sup>۱۵۷</sup>، از جمله مطبوعات دینی به زبان فارسی است که در جریان روشن اندیشی ایرانیان، انقلاب مشروطه و حوزه‌های اجتماعی و دینی ایران، تأثیری به‌سزا داشته؛ ولی تاکنون مورد نقد و بررسی درخوری، واقع نشده است.

جلد این ماهنامه شامل نام مجله با حروف درشت و درج عدد ۱۳۲۸ به عنوان تاریخ انتشار با حروفی ظریف‌تر شده، و در بالا، این آیه شریفه آمده است: «و نادیناه من جانب الطور الايمن»<sup>۱۵۸</sup>، و در دو سوی راست و چپ عنوان، آیه کریمه: «فلما اتاهها نودی من شاطیء الواد الايمن فی البقعة المباركة»<sup>۱۵۹</sup> در دو قسمت درج شده است.

مرام‌نامه ماه نامه در زیر عنوان، بدین صورت ذکر می‌شود: مجله‌ای است دینی و ادبی، از منابع عامه بحث می‌کند، و پس از آن، نام آقا محمد محلاتی به عنوان نویسنده مجله، و آن‌گاه وجه اشتراک، با تأکید بر آن که پیش‌تر گرفته می‌شود، و نشانی و محل توزیع و عنوان تلگرافی برای مکاتبات و نام شیخ حسین اصفهانی به عنوان ناشر آمده است.

نویسندگان درة النجف که بیشتر، از شاگردان و پی‌روان آخوند خراسانی بودند، اندک اندک موانع قانونی را پشت سر نهاده، و از شماره چهارم، نویدروی آوردن به سیاست و پرداختن به اخبار داخلی و خارجی را چنین بیان داشتند: «خاطر قاریین کرام و مشترکان عظام را مسبوق می‌دارد، مجله درة النجف تاکنون برحسب قانون نمی‌توانست تعرض به امور سیاسی و وقایع مهمه نماید، ولی از جزو ششم به واسطه تقدیم مدیرمسئول قانونی، متعرض سیاسیات و نگارش وقایع و اخبار مهمه خارجه و داخله مملکت اسلامیة، خارجه ایران خواهد شد؛ و در نقلیات، معروفیت اشخاص واقعه‌نگار در اداره، کافی است.»<sup>۱۶۰</sup>

گردانندگان ماه‌نامه با چنین پیش‌درآمدی از شماره ششم، مرام‌نامه را نیز اصلاح کرده، و با ذکر شیوه‌نامه خود به صورت دینی، ادبی و سیاسی بروزیای خود به عنوان مدافعان انقلاب و پیش‌تازان اندیشه‌های نو در میان جامعه روحانیت افزودند.

در این شماره است که به صراحت با مطالب و مقالات و گفتارهای سیاسی فراوانی روبه‌رو می‌گردیم: تبریک نویسندگان مجله، به مستوفی‌الممالک که ریاست کابینه دولت را یافته بود، انتقاد از حکومت نظام السلطنه در کرمان‌شاه، انتقاد از حکومت محمّره، بیان نامه کارگران کردستان<sup>۱۶۱</sup> و بسیاری مطالب دیگر که نشان از پای فشاری دست‌اندرکاران در مرام‌نامه مجله است. پیدا

است که با افزایش اخبار و مقالاتی از این دست، جای مطالب دیگر از جمله ترجمه فارسی علامه شیخ آقابزرگ تهرانی به نام آثار تمدن اسلامی که از کتاب المدینة و الاسلام نوشته محمد فرید و جدی صورت پذیرفته بود، تنگ‌تر و باب اخبار علمیّه بسته شد.

به هر حال آن چه در شماره‌های معدود درة النجف با آن کاغذ کاهی و قطع خشتی، درج می‌شد، همگی آینه تمام‌نمای رخ داده‌های فکری و اجتماعی جامعه ایرانی و در نگاهی وسیع‌تر، بیان‌گر سیر اندیشه‌های نگارندگان مجله به عنوان جزئی از جامعه مشروطه‌خواه و انعکاس مسائل و مشکلات جامعه جهانی اسلامی در برابر موج پیشرفت و مدرنیته و ریشه دواندن قانون است.<sup>۱۶۲</sup>

ملازمه تمدن و تدین، ضرورت وضع و اجرای قانون، انتقاد از وقایع غم‌باری همچون بمباران مجلس شورای ملی ایران، لزوم اصلاحات سیاسی و اخلاقی در جامعه، آن‌گاه که مدارس با مشکلات جدی بسیاری روبه‌رو بوده، و وزارت نوبنیاد معارف نیز دست به گریبان دشواری‌های جدیدی بود؛ به ویژه هنگامی خواندنی‌تر می‌گردد که مشترکات فرهنگی امت اسلامی را بشناسیم، و نفوذ اندیشه‌های نوبینی همچون نیازمندی به دانش پیشرفته غرب بدون تقلید از اخلاق و دین آنان و افکار مطرح شده توسط سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان اتحاد جهان اسلام را مورد مطالعه و بررسی قرار داده باشیم.

شیوه چنین طلابی، جز از اطرافیان فقیهی همچون آخوند خراسانی مورد انتظار نبود. آنان به وجوب برداشته شدن اختلافات فرقه‌های گوناگون اسلامی اعتقاد داشته، و حتی هنگامی که شکایت یکی از پیشوایان شیعی شهر بخارا به مقام منیع ریاست روحانی اسلام در نجف اشرف رسید. حجت‌الاسلام شریعت اصفهانی تقاضای برداشته شدن سب و لعن از کتاب‌ها را کرد،<sup>۱۶۳</sup> و در همان شماره، گفتاری در باب مکتب جعفری در شام مطرح شد.<sup>۱۶۴</sup>

شگفت است که بدانیم این‌ها همگی در شماره‌هایی اندک به چاپ رسید، و با این حال به خوبی روی هر یک از فراز و نشیب‌های جامعه آن روز ایران تأکید و تأمل کرد، و راهکارهایی را در زمینه‌های گوناگون ارائه کرد. درة النجف بیش از هشت شماره، و با احتساب شماره‌های چهارم و پنجم و شماره‌های هفتم و هشتم که هر کدام با یک‌دیگر و در یک مجلد<sup>۱۶۵</sup> به چاپ رسیدند، بیش از شش مجلد انتشار نیافت؛ اما در همین فرصت کوتاه و اندک به سرچشمه‌های بسیاری از افکار و آرای مذهبی دست یافته، و با انتقادهای سازنده از استبداد و عوامل گونه‌گون آن و بررسی نتایج اجتماعی شیوه‌های

۱۰. تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۶۳ ش، ۴۲۰ ص، وزیری.
۱۱. تهران: دانشگاه تهران (ش ۲۰۱۵)، ۱۳۷۰ ش، چاپ سوم بهمن ۱۳۷۵ ش، ۳۵۳ ص، وزیری.
۱۲. راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۵۳ ق / ۱۲۱۵ ش - ۱۳۰۴ ش)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول ۱۳۷۲ ش، ۳۰۱ ص، وزیری؛ راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۷۱ ش)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲ ش، ۵۱۴ ص، وزیری؛ چکیده مطبوعات ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول بهار ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ۵۳۶ ص، وزیری و...
۱۳. زاده‌وش، محمدرضا. «چراغی برافروختند»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۷/۲۳، ش ۲۰۷، صص ۱ و ۶.
۱۴. زاده‌وش، محمدرضا. «جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۵۷»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۶، مهر ۱۳۸۲، صص ۷۹-۸۱.
۱۵. بنگرید به: عماد افشار، حسین. شیوه نگارش فارسی در مطبوعات، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. زاده‌وش، محمدرضا. «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران»، دو ماهنامه آئینه پژوهش، س ۱۵، خرداد و تیر ۱۳۸۳، ش ۸۶، صص ۸۸-۸۶.
۱۷. درباره سرگذشت‌نامه روزنامه‌نگاران می‌توان به این منابع مستقل نگریست: جعفریان، رسول، حاج مهدی سراج انصاری، ستاره‌ای درخشان در عرصه مطبوعات دینی، قم: مؤسسه اطلاع‌رسانی مرجع، چاپ اول ۱۳۸۲ ش، ۴۱۴ ص، وزیری؛ قاسمی، سیدفرید، مشاهیر مطبوعات ایران: محمدحسن اعتمادالسلطنه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹ ش، ۵۸۲ ص، رفعی.
۱۸. بنگرید به: معتمدنژاد، کاظم. روش تحقیق در محتوای مطبوعات، با کلیاتی درباره تجزیه و تحلیل محتوای ارتباطات جمعی، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
۱۹. عزیزی، عباس. فضایل و آثار مسجد در آینه قرآن و حدیث، قم: نبوغ، ۱۳۷۶ ش.
۲۰. تفضلی، احمد (به کوشش). یکی قطره باران، [تهران: بی‌نا، چاپ اول] ۱۳۷۰ ش، ص ۳۴.
۲۱. بنگرید به: نوبهار، رحیم. کوی دوست (پژوهشی پیرامون بررسی ابعاد گوناگون مسجد)، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. خلیفه الحمادی، احمد. المسجد و دوره فی المجتمع، [بی‌جا: بی‌نا]، ۱۹۹۳ م.
۲۳. بررسی گسترده‌ای در این باره را بنگرید در: کیانی، محسن. تاریخ خانقاه در ایران، تهران: طهوری، ۱۳۶۹ ش.

نادرستی همچون شکنجه و استنطاق و قصاص و تأویل قرآن حکیم و احادیث شریف، راه دین‌شناسان آینده را هموارتر کرده، و خود را در شمار مطبوعاتی درآورد که سرانجام به نتیجه قاطعی پیرامون آن که مشروطه، قابل تطبیق با شرع مقدس اسلام و علم و دانش و صنعت، قابل جمع با آداب اسلامی و طریقه شرعی و اخلاق و رفتار مهدب است، درآورد.

به راستی ادامه راه مجله پیشین الغری به خوبی پی‌گرفته شد، و هرچند که گردانندگان دره‌النحج نشان دادند که جریان فکری خود آنان نیز در حال تبدیل و تغییر و تحول است، اما از یاد گذشته و پای فشاری بر شیوه‌نامه پیشین، هراس نکردند.<sup>۱۶۶</sup> متأسفانه کمبود منابع درباره این ماهنامه و پی‌روی برخی مآخذ از نادرستی‌های بیان شده در کتاب‌های دیگر و کمبود شماره‌های این مجله در کتابخانه‌های عمومی و مجامع خصوصی<sup>۱۶۷</sup>، باعث بسیاری اشتباهات در ذکر ویژگی‌های این نشریه شده است؛ امید که به مناسبت سالگرد مشروطه ایران، این ماهنامه نیز با چاپی زیبا و درخور، با مقدمه و فهرس لازم، منتشر گردد؛ چنین باد...

#### پانویس‌ها:

۱. شامل ۲۴۳ عنوان.
۲. برخی بر آن اند که براون، یادداشت‌های تربیت را به نام خود به چاپ رسانده، برای بررسی چنین آرای، بنگرید به: زاده‌وش، محمدرضا. «نقش سیاسی اودارد براون در ایران»، دو ماهنامه آئینه پژوهش، س ۱۲، ش ۷۰، مهر و آبان ۱۳۸۰، صص ۷۱-۷۹.
۳. دو جلد از این ترجمه در سال ۱۳۳۷ ش. و بازمانده آن در ۱۳۴۱ ش. به چاپ رسید؛ ترجمه جلد پایانی را رضا صالح‌زاده انجام داده است.
۴. توسط انتشارات کانون معرفت، از ناشران بسیار فعال آن سال‌ها.
۵. هر چهار جلد بدون نام ناشر و در واقع، به هزینه مؤلف: جلد نخست در آذر ۱۳۲۷؛ جلد دوم: چاپخانه راه نجات، دی ۱۳۲۸؛ جلد سوم: همان چاپخانه، اسفند ۱۳۲۹؛ جلد چهارم: چاپخانه داد، مهر ۱۳۳۲؛ تجدید چاپ کتاب به سال ۱۳۶۳ ش. توسط انتشارات کمال در اصفهان صورت پذیرفته است.
۶. شامل ۱۱۸۶ عنوان با ذکر منابع و مآخذ و مراجعه مستقیم به اصل نشریات.
۷. همانند: فهرست مجلات موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، کتابخانه ملی تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان و...
۸. تاریخ مطبوعات کرمان، روزنامه نگاری در کردستان، تاریخ تحلیلی مطبوعات قزوین و...
۹. تهران: اطلاعات، چاپ اول ۱۳۶۶ ش، ۳۵۱ ص، وزیری.

۲۴. سلطان زاده، حسین. روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، [تهران: آگاه، ۱۳۶۲ ش، ص ۲۷۰-۲۷۶؛ علوی، عادل، فی رحاب الحسینیات، قم: [بی‌نا]، چاپ اول ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۹۸.
۲۵. مهدوی، سید مصطفی‌الدین. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی، مقدمه؛ هم‌چنین بنگرید به: عابدی، احمد، فلسفه زیارت، قم: زائر، ۱۳۷۶ ش.
۲۶. سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۸۴۳ میلادی.
27. Baptist  
28. India office
۲۹. زاده‌وش، محمدرضا. «روی داد»، روزنامه جوان، ضمیمه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه، ۱۳۸۲/۸/۱۴، ش ۲۱۰، ص ۶.
۳۰. پروین، ناصرالدین، «اسلامی مجلس مذاکره علمیه کلکته»، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ویراسته احمد حب‌علی موجانی و شهرناز اعتمادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ ش.
۳۱. رکن‌الملک، اهل شعر و ادب و دانش را گرامی می‌داشت، و خود، اشعاری می‌سرود، احداثات عام‌المنفعة او همچون مسجد رکن‌الملک و تکایبی که در تخت فولاد اصفهان بنا کرده، هنوز پابرجاست. از سویی، نظریات انتقادی اهل زمانه درباره او را نباید نادیده انگاشت؛ از جمله بنگرید به: رویای صادق، به کوشش سید صادق سجادی و هما رضوانی، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ ش، ص ۵۷-۶۰.
۳۲. نجفی، موسی. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران: کلینی، چاپ اول ۱۳۶۹ ش، صص ۱۳۶-۱۳۹.
۳۳. الاسلام، س ۲، جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هـ، ش ۵.
۳۴. همان، س ۱، رمضان ۱۳۲۰ هـ، ش ۱.
۳۵. همان، س ۱، ش ۲.
۳۶. همان، س ۳، ذی‌حجه ۱۳۲۲ هـ، ش ۲.
۳۷. همان، س ۲، ش ۲.
۳۸. همان، س ۲، جمادی‌الثانی ۱۳۲۲ هـ، ش ۸.
۳۹. همان.
۴۰. همان، س ۳، رجب ۱۳۲۲ هـ، ش ۹.
۴۱. همان، س ۳، ذی‌حجه ۱۳۲۲ هـ، ش ۲.
۴۲. سورة آل عمران (۳)، آیه ۱۹.
۴۳. زاده‌وش، محمدرضا. «ارگان انجمن صفاخانه»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۷/۳۰، ش ۲۰۸، ص ۶.
۴۴. قاسمی، سیدفرید. راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۰۴ ش)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۲ ش.
۴۵. صدرهاشمی، سیدمحمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۲۳۸، ش ۱۸۳.
۴۶. برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران، تهران: بهجت، چاپ اول پاییز ۱۳۷۱ ش، ص ۵۳.
۴۷. ربینو روزنامه‌های ایران، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، تهران:
- اطلاعات، چاپ اول ۱۳۷۲ ش، ص ۶۶.
۴۸. محمدی، محمد. تاریخچه مطبوعات اصفهان، اصفهان: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان؛ نقش مانا، چاپ اول ۱۳۸۲ ش.
۴۹. پروین، ناصرالدین. «الاسلام»، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان.
۵۰. نوری اصفهانی، فروغ‌الزمان. راهنمای مطبوعات، فهرست نشریات موجود در کتابخانه عمومی ابن مسکویه اصفهان، اصفهان: نقش مانا، چاپ اول ۱۳۸۰ ش، ص ۴۵.
۵۱. نوروزمرادی، کورش. راهنمای مطبوعات اسلامی، فهرستگان یک صدسال نشریه‌های ایران و ایرانیان، قم: دلیل ما، چاپ اول زمستان ۱۳۸۲ ش، صص ۲۵-۲۶، ش ۵۱.
۵۲. پروین، ناصرالدین. «قانون»، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان.
۵۳. نوربخش، حسین. اصفهانی‌های شوخ طبع و حاضر جواب، تهران: سنایی، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، بخش پنجم، صص ۲۰۳-۲۱۱.
۵۴. زاده‌وش، محمدرضا، «جریده قانون»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۸/۲۱، ش ۲۱۱، ص ۶.
۵۵. بامداد، مهدی، رجال ایران، ج ۴، ص ۱۴۵.
۵۶. برای آشنایی با ملکم خان بنگرید به: دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه؛ کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۱۱۸؛ تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۳۷۹.
۵۷. روزنامه علمیة دولت علیه ایران، س ۲، محرم ۱۲۸۳ ق، ش ۱۸، ص ۱.
۵۸. هفته‌نامه تشویق، س ۱، ۱۳۲۵ ق، ص ۲.
۵۹. برزین، مسعود، شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۱۹۲.
۶۰. زاده‌وش، محمدرضا، «چندی چون آفتاب زمستان»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۸/۲۸، ش ۲۱۲، ص ۶.
۶۱. پروین، ناصرالدین، «دعوة الحق». تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان.
۶۲. نوروز مرادی، کورش. راهنمای مطبوعات اسلامی، ص ۱۴۰-۱۴۱، ش ۳۶۱.
۶۳. ربینو. روزنامه‌های ایران، ص ۱۴۴-۱۴۵.
۶۴. روزنامه تربیت، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ق، ش ۴۰۳.
۶۵. پلیس لندن، نگاشته‌آرتور کانون دوپل با ترجمه فارسی عبدالحسین بن مؤید الدوله، نخستین کتاب چاپ شده در مطبعه خورشید است، نام این چاپخانه، بعدها به مطبعه مجلس تغییر کرد.
۶۶. صدرهاشمی، سیدمحمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۸۹.
۶۷. قاسمی، سیدفرید. راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار.
۶۸. کسروی، سیداحمد. تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان، تهران: امیرکبیر، ص ۹۵؛ سالنامه پارس، سال ۱۳۰۸ خورشیدی.
۶۹. تهران: چاپ‌خانه خاور، [چاپ اول] ۱۳۰۷ ش، ص ۱۲۸.



۷۰. کهن، گوئل. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، تهران: آگاه، ۱۳۶۰-۱۳۶۲ ش.
۷۱. صدرهاشمی، سید محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۲۲۲-۲۲۶.
۷۲. روزنامه معارف، در حقیقت ناشر افکار انجمن معارف یا مجموعه معارف بوده که در شهرستان‌ها نیز شعباتی داشته، و مؤسس آن، همان شیخ محمدعلی دزفولی ذکر شده است.
۷۳. ملقب به مصور علی شاه.
۷۴. برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۳۵۶.
۷۵. کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران.
۷۶. صدرهاشمی، سید محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، ص ۱۹۰-۱۹۱، ش ۹۸۴.
۷۷. ظاهراً نخستین ترجمه‌ای که از این نامه صورت گرفته در جریده المنطبعة فی الفارس است: س ۱، رمضان ۱۲۸۹ ق، ش ۱۱، ص ۴.
۷۸. رابینو. روزنامه‌های ایران، ص ۲۲۶.
۷۹. زادهوش، محمدرضا. «چندی چون آفتاب زمستان»، همانجا.
۸۰. عنوان این نشریه در برخی کتاب‌ها به اشتباه «مجمع الاخلاق» ذکر می‌شود؛ در پشت جلد مجله نیز این رباعی به عنوان ماده تاریخ ذکر شده، و به «مجموعه اخلاقی» اشاره می‌شود:
- لوحی به مثل همچو کتاب مسطور  
زانجمن اخوت آمد به ظهور  
دیدش چو سروش از پی تاریخش گفت:  
«مجموعه اخلاقی با مطلع نور»
۸۱. پروین، ناصرالدین. «دعوة الاسلام»، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان.
۸۲. زادهوش، محمدرضا. «دوهفته نامه دعوة الاسلام»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۸/۷، ش ۲۰۹، صص ۸ و ۶.
۸۳. رابینو، روزنامه‌های ایران، ص ۱۴۴، ش ۱۷۶.
۸۴. دعوة الاسلام، س ۲، ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ق، ش ۲.
۸۵. صدرهاشمی، سید محمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ش ۵۵۳؛ مولانا، حمید، گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول ۱۳۷۱ ش، ص ۱۱۴.
۸۶. رابینو. صورت جراید ایران، ش ۱۰۵؛ براون، ادوارد، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد محمدلوی عباسی، ش ۱۷۲؛ دانشور علوی، نورالله، تاریخ مشروطه ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، با مقدمه حسین سعادت نوری، تهران: دانش، ۱۳۳۵ ش، ص ۱۹۵-۱۹۶.
۸۷. داعی الاسلام، با این حال، ابراز انتقاد را با وسایل دیگر، از جمله پخش شب‌نامه، جایز نمی‌دانست؛ بنگرید به: دعوة الاسلام، س ۲، اول جمادی الاول ۱۳۲۵ ق، ش ۱۷.
۸۸. دعوة الاسلام، س ۱، ذی‌قعدة ۱۳۲۴ ق، ش ۵.
۸۹. همان، س ۱، رمضان ۱۳۲۴ ق، ش ۱.
۹۰. چهره‌نما، س ۲، اول ربیع الثانی، ۱۳۲۴ ق، ش ۱۹.
۹۱. سورة آل عمران (۳)، آیه ۱۹.
۹۱. روزنامه مجلس، س ۱، ۸ شوال ۱۳۲۴ ق، ش ۱.
۹۳. دعوة الاسلام، س ۲، اول ذی‌قعدة ۱۳۲۵ ق، ش ۱.
۹۴. برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۱۹۲.
۹۵. چاپ خانه مظفری، متعلق به ایرانیان مقیم هند بود، و چندین کتاب به زبان فارسی انتشار داد: بحورالاحسان؛ تاریخ حزین یا تذکره مرآة الخیال، ذرّة نجفی، گنج فقیر، کلیات سعدی و... .
۹۶. دعوة الاسلام، س ۱، رمضان ۱۳۲۴ ق، ش ۱.
۹۷. نوروز مرادی، کورش. راهنمای مطبوعات اسلامی، ص ۱۴۰، ش ۳۵۹.
۹۸. نوری اصفهانی، فروغ الزمان. راهنمای مطبوعات، ص ۱۴۵.
۹۹. آیین اسلام، ۱۳۲۵/۴/۳ ش، ش ۱۱۷، ص ۲۳-۲۵.
۱۰۰. بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران، تهران: زوّار، ۱۳۴۷-۱۳۵۳ ش، ص ۲۵۴-۲۵۶.
۱۰۱. «داعی الاسلام مؤلف فرهنگ فارسی نظام»، ماهنامه ارمان، س ۱۰، ۱۳۰۸ ش، ش ۸، ص ۷-۱۰.
۱۰۲. فرهنگ نظام، فارسی به فارسی، با ریشه‌شناسی و تلفظ واژه‌ها به خط اوستایی، محمدعلی داعی الاسلام، حیدرآباد دکن: [بی‌نا]، چاپ اول ۱۳۴۴ ق؛ چاپ دوم به صورت افست: تهران: کتابفروشی دانش، ۱۳۶۶ ش.
۱۰۳. کتابفروشی دانش، چنانچه دانستیم، فرهنگ نظام را به صورت افست منتشر ساخت؛ ولی متأسفانه از دیگر فعالیت‌های آن در چاپ و نشر کتاب، آگاهی نیافته‌ایم.
۱۰۴. کسروی، سیداحمد. تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان، ص ۹۵.
۱۰۵. براون، ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ش ۳۵.
۱۰۶. صدرهاشمی، سیدمحمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۷۵، ش ۵۴.
۱۰۷. زادهوش، محمدرضا، «اخوت نامه»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۹/۱۲، ش ۲۱۳، ص ۶.
۱۰۸. برزین، مسعود. شناسنامه مطبوعات ایران، ص ۳۸۹.
۱۰۹. زادهوش، محمدرضا. «اخوت نامه»، همانجا.
۱۱۰. صدرهاشمی، سیدمحمد، ج ۱، ش ۵۴، ص ۷۵.
۱۱۱. نوروز مرادی، کورش. راهنمای مطبوعات اسلامی، ش ۷۶۶، ص ۲۸۷-۲۸۸.
۱۱۲. زادهوش، محمدرضا. «آفتاب علم»، کتاب ماه دین، س ۶، دی و بهمن ۱۳۸۱، ش ۶۳-۶۴، ص ۳۲-۳۵.
۱۱۳. زادهوش، محمدرضا. «تدین»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۱۰/۲۳، ش ۲۱۴، ص ۶.
۱۱۴. صدرهاشمی، سیدمحمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۳، ص

- ۱۷، ش ۷۹۶؛ رابینو، صورت جراید ایران، ش ۱۵۰.
۱۱۵. گزارشی بسیار اجمالی درباره آن را بنگرید در: فرهنگ ایران زمین، ج ۲۷، ص ۲۸۵.
۱۱۶. در صفحه سوم از این شماره، در سرصفحه به «شماره ۴۸» برمی خوریم که اشتباه چاپی است.
۱۱۷. زادهوش، محمدرضا. «تدین»، همان جا.
۱۱۸. هفته نامه تدین، س ۲، جمادی الاول ۱۳۲۶ ق، ش ۱۴.
۱۱۹. همان، س ۳، هفتم صفر ۱۳۲۷ ق، ش ۳۷.
۱۲۰. همان، س ۳، ششم جمادی الثانی ۱۳۲۸ ق، ش ۴۷، ص ۲.
۱۲۱. همان، س ۳، هفتم جمادی الاول ۱۳۲۸ ق، ش ۴۳، ص ۱.
۱۲۲. همان، س ۳، پانزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۸ ق، ش ۴۰، ص ۲.
۱۲۳. پس از آن، در هشت جلد به چاپ رسیده، و خلاصه ای از زندگانی او و مشرف شدنش به دین اسلام، به صورت کامل در آن درج شده است.
۱۲۴. نوری اصفهانی، فروغ الزمان، راهنمای مطبوعات، ص ۹۶.
۱۲۵. پروین، ناصرالدین، «تدین»، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان.
۱۲۶. نوروزمرادی، کورش، راهنمای مطبوعات اسلامی، ص ۹۵، ش ۲۳۹.
۱۲۷. نیر اعظم، س ۲، شنبه ۱۰ شوال ۱۳۲۵ ق، ش ۷، ص ۳.
۱۲۸. ندای وطن، ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۵ ق، ش ۱۴.
۱۲۹. نیر اعظم، س ۱، ۴ شوال ۱۳۲۵ ق، ش ۵.
۱۳۰. همان، س ۱، ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۵ ق، ش ۱۴.
۱۳۱. همان، س ۱، ۴ شوال ۱۳۲۵ ق، ش ۵، ص ۱.
۱۳۲. بیات، کاوه و مسعود کوهستانی نژاد، اسناد مطبوعات، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، چاپ اول ۱۳۷۲ ش، ج ۱، ص ۵۷۰.
۱۳۳. همان، ج ۲، ص ۴۸۴-۴۸۶.
۱۳۴. پروین، ناصرالدین، «نیر اعظم».
۱۳۵. نوری اصفهانی، فروغ الزمان، راهنمای مطبوعات، ص ۲۶۷.
۱۳۶. زادهوش، محمدرضا، «نیر اعظم»، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه، ۱۳۸۲/۱۰/۳، ش ۲۱۶، ص ۶.
۱۳۷. براون، ادوارد. تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ش ۲۴۳.
۱۳۸. تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان. تبریز: [بی نا]، چاپ اول ۱۳۵۴ ش، ص ۴۱۱.
۱۳۹. زادهوش، محمدرضا، «بدایع نگاری ال کمال»، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه، ۱۳۸۲/۱۰/۱۷، ش ۲۱۸، ص ۶.
۱۴۰. همان، همان جا.
۱۴۱. بخارا، س ۱، مهر و آبان ۱۳۷۷ ش، ش ۲، ص ۲۹۱.
۱۴۲. از مکان اداره می توان چنین نتیجه گرفت که چاپ نشریه در همان مطبوعه انجام می پذیرفته است.
۱۴۳. در: صدرهاشمی، سیدمحمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۵۷: «الکستاروف».
۱۴۴. خورشید خاور، س ۱، ربیع الاول ۱۳۳۶ ق، ش ۱، ص ۳-۱.
۱۴۵. خورشید خاور، س ۱، ربیع الاول ۱۳۳۶ ق، ص ۸.
۱۴۶. همان، ص ۱۲.
۱۴۷. از جمله بنگرید به: ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق، ش ۷، ص ۱۱-۱۲، زیر عنوان: «مکتوب به اداره».
- 148. Fedorof**
۱۴۹. پیام پدر، تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۳۵ ش، ص ۶۰ با گروهی نیز او را از تاتارهای غازی شناسانده اند؛ ولی دانستیم که وی از اهالی گلپایگان اصفهان بوده است.
۱۵۰. زادهوش، محمدرضا. «خورشید خاور»، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۱۰/۲۴، ش ۲۱۹، ص ۶.
۱۵۱. محیط طباطبایی، محمد. تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران: بعثت، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۴۷.
۱۵۲. در: صدرهاشمی، سیدمحمد. تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۲۶۰، سال انتشار این مجله به اشتباه ۱۳۲۸ ق. بیان شده است.
۱۵۳. مدرسی چهاردهی، «نخستین مطبوعات فارسی در عراق»، آینده، س ۵، پاییز ۱۳۵۸ ش، ش ۷-۹، ص ۸۸۲.
۱۵۴. دو جلد، نجف: [بی نا]، چاپ اول ۱۳۴۵ ق، سال هاپس از درگذشت مؤلف.
۱۵۵. درباره فرزند آخوند خراسانی و نقش وی در این دوره تاریخی بنگرید به: کفایی، عبدالحسین مجید، مرگی در نور، ص ۴۰۲-۴۱۰.
۱۵۶. زادهوش، محمدرضا، «تلاشی برای آشتی میان تدین و تمدن»، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۱۱/۱، ش ۲۲۰، ص ۶.
۱۵۷. شمار صفحات، از ۷۲ تا ۴۰ متغیر، ولی به هر حال، فراوان و قابل توجه است.
۱۵۸. سوره مریم، آیه ۵۲.
۱۵۹. سوره قصص، آیه ۳۰.
۱۶۰. ماهنامه درة النجف، س ۱، رجب ۱۳۲۸ ق، ش ۴، پشت جلد.
۱۶۱. همان، س ۱، شعبان ۱۳۲۸ ق، ش ۶، ص ۲۲۲.
۱۶۲. همان، س ۱، ربیع الاول ۱۳۲۸ ق، ش ۱، ص ۱۴ به بعد.
۱۶۳. همان، س ۱، رجب ۱۳۲۸ ق، ش ۴، ص ۱۶۰.
۱۶۴. همان، ص ۱۹۷.
۱۶۵. مدرسی چهاردهی، مرتضی، نخستین مطبوعات فارسی در عراق، ص ۸۸۳.
۱۶۶. بنگرید به: ماهنامه درة النجف، س ۱، ربیع الاول ۱۳۲۸ ق، ش ۱، ص ۲؛ همان، س ۱، جمادی الاول ۱۳۲۸ ق، ش ۳، ص ۱۲۹ که در حقیقت، گفتارهایی در ادامه مقالات الغری هستند.
۱۶۷. زادهوش، محمدرضا. «درة النجف»، روزنامه جوان، ویژه نامه فرهنگ و اندیشه، چهارشنبه ۱۳۸۲/۱۱/۸، ش ۲۲۱، ص ۶.